

جواب تلگراف حجج اسلام نجف

اشرف دام ظللهم

جنابان مستطابان ملائی الانام آقای آقا سید جعفر شیرازی و آقای آقا شیخ حسین بزدی سلمه الله تعالی، تلگراف شریف و اصل، بمحمد الله مجلس متکفل بانظام امور مسلمین و اعلاء کلمة حق اسلامیه و قطع ایادی خارجه و موجب تقویت دولت و ملت و اجراء احکام شرعیه و حدود و امر بمعرفت و نهی از منکر و عدم تعدی از حدود الهیه و رفع ظلم که سالها آرزو و تمنی داشتیم بریا شد، و بر حصول این تمنی و موهبت غیبیه شاکر و مسروریم، و گمان نفیست احدی از مسلمین و متدینین معارض و مخاصم شود، خصوصاً بعد از تطبیق نظامنامه بر قوانین شرعیه و ضم فصله ابدی بر این امر که مجال هیچ نشئت و جای سخن بی غرضانه باقی نمانده، در هر صورت بر عموم مسلمین اهتمام در امر چنین مجلس محترمی واجب و امراض از وسوس و شبهات و اهیه مطبوعه مخالفین لازم، و ممها امکان قاطبه اهل اسلام از دفع مخالف که جز اغراض شخصیه و افتاره فتنه مقصودی ندارند غفلت نمایند، انشاء الله تعالی

(الاحقر نجیل المرحوم الحاج میرزا خلیل)

(قدس سره ، محمد حسین)

(الاحقر الجلی محمد کاظم الحراسانی المروئی)

(الاحقر عبدالله المازندرانی المروئی)

حق را باید گفت و حقیقت را نباید نهفت

(اهالی جنوب ایران خاصه بوشهر ملاحظه فرمایند)

یکی از چیزهای شکفتنی که استعجاب دارد این است، که هیئت جامعه ملت ما همچو گان کرده بودند که قوه قاهره جابره با استبداد بخودی خود بی مساوت احدی و بدون و سایل خارجه دارای نفوذ و قدرت و پیشرفت گردیده و این نکته غلط بخودی خاطر نشان افراد آن هیئت گشته بود که در موقع فشار استبداد چنان خود را بیچاره و ضعیف میدیدند که مانند مرده دردست مرده شوی بحرکت آن قوه متحرک و بسکونش ساکن بودند، و اقلاً با وصف آن بدبختیهای جانب گدازیکه آن قوه میشود، بر آنها وارد آورده بود

نفس که اهالی آنجا در اثبات آن متصل دلایل جدید نشان میدهند مردم آن حوالی را ساکت نگاه داشته است

این اتفاقات موجب است که فوراً يك کمیسیون بین الدول تحقیقات معین بشود، و هرچه زودتر دولتین ایران و عثمانی این کمیسیون را گسیل سرحد ایران نمایند آن قدر بهتر است

در عکس هیئت سفارت مخصوص ایران که در اول صفحه رسم نموده بود صورت بسیار محبوب جناب ممتاز السلطنه نماینده اول ایران که احتیاج بمعرفی نداشت رسمت و نیز (مسیو هینگ) بلژیکی که در خدمت ایران است و این روزها بسمت مأمور عالی جز و سفارت ایران شده و تازه بلاهی وارد گشته، و میرزا احمد خان که از سال (۱۹۰۵) در لاهی وزیر محتر ایران میباشد، و نیز عکس (مسیو اون هم) قوسول جنرال ایران در لاهی که حالاً سمت منشی گری سفارت فوق العاده را دارد رسم شده، و امیر خان ناشی سفارت ایران و دونفر دیگر یکی میرزا محمودخان مایب سیم و یکی عباسقلی خان ناشی سفارت فوق العاده میباشد

سواد تلگرافی است که از طهران

(به نجف اشرف منخاره شده)

خدمت ذی شرافت حجج الاسلام طهرانی و الحراسانی و بزدی و مازندرانی دام ظللهم مهاجرت بمحضرت عبدالمعظم بعد از حتم نظارت علماء و تطبیق نظامنامه با قواعد شرعیه راهی بجز تحریک دولت بر اصلاحات اساس حوضه بیضه اسلام و مقصودی جز اراده غلو و فساد نیست

از علماء دار الخلافه اقدامات لارمه در اتفاق کله شده، چون مقصد مطلب دیگر است تأثیر نکرد، و اگر فی الجمله ضعیفی در اساس مجلس پیدا شود، مخالفین متجری بر سفک دماء مسلمین و همه نفوذ مقاسد دول اجانب خواهد بود

(الاحقر جعفر المرسوی شیرازی)

(الاحقر محمد حسین بزدی)

یک حرکت مذبحی هم نمیکردند -

ولی بالفعل آن حجب تیره و تاریک از جلو چشم های ستم دیدگان بر داشته شده و آن برده های کلفت بالا کشیده شده و از جمله حقایق که مانند نور خورشید ظاهر گشته یکی این است که استبداد و یا قوه قاهره خود بخود وجود و نمود بهم نرسانیده، و بی علت و سبب خود نیانی نکرده است، بلکه چون این جمع ملت بالطبع در وقت بروز و ظهورش ایجاد و اطاعت ظاهر ساخته و از مخالفت و مقاومتش تخلف و نحاشی نکردند، از این جهت پیشرفت و ترقی کرده و اساس خود را محکم و متین ساخته است -

از ظهور این حقیقت چنین منکشف گردید که اگر ما خود از قبول استبداد عدول کنیم هیچ ذریعه و وسیله موجود نیست که استبداد را بر ما قبولاند، ولی جایی خیلی نایب است که با آنکه کله های پر شور و ذوات محترم با یک ناید آمانی و با کوشش و مساعی یحد قبول استبداد را از رقاب ما بر داشتند و رقبت ما را بدل به حریت ابدی ساختند هنوز بنا بر عادت سابقه گویا با استبداد تمایل داریم و نمیفهمیم که از این تفاتی که کرده و میکنیم تا چه اندازه تیشه بریشه خود زده و بادت خود حال و استقبال خودمان خراب مینمایم -

وقع و عظمت بحدیت که همینکه اتفاق و رفاق نموده است خود را بر خیر و ترقی خود بخود بکارند هیچ قوه و عایقی موجب منع و ردع ایشان نتواند شد ولی چنانکه گفتیم همان تفاتی که ما را خراب کرده، همچو نیست؟ من خودم یک برهانی واضح دارم و میگویم، معلوم است که این اساس مقدس شورای ملی که انعقاد یافته فقط محض این بوده و هست که ما ملت را از قید اسارت رهائی دهند و خلاصی بخشند و به حریت مشروع نایل سازند، و ما اکنون خوب میفهمیم و میبینیم که اگر این نعمت را از ما سلب کردند تا ابدالابد اخلاف ما در ذات و اسرابتی خواهند ماند، و خودمان هم حالی نیاه و روزگاری سیاه خواهیم داشت ممهنا چندین بلد از بلاد ما همینکه شروع باجراه مبادی مشروطیت یعنی مجالس محلیه میشود و کار انتخابات شروع میگردد کدورت های قدیمه و دشمنی های سابقه تجدید و اثره تفاتی اشتغال می یابد و وجود اتفاق و رفاق

معلوم صرف میشود و مستبدین آنجا ها اغراض شخصی خودشان را بر حقوق همه مردم مروج دانسته مشغول به عملیات خود میشوند و هیئت مات متعجب و سرگردان شده جز ناله و افغان از استبداد کاری نتوانند

یکی از آن بلاد که دو چار بدبختی شده بوشهر است، خوانندگان محترم البته از نگارشات چندین ماهه جریده مقدسه کیفیت رویداد آنجا را میدانند و از اندازه شذات و اسائی که باحوال این مشت مردم بدبخت استقبال کرده و آنها را بدرکات و خلیفه کشانیده و میکشاند سبق هستند، امیدوار بودیم که پس از ورود جریده مقدسه نمره (۷) اهالی آن ناحیه تکالیف نوعی خود را ملتفت گشته از جاده تفاتی اندکی تخلفی نموده و بمرحله اتفاق تمایل نمایند خود را در نزد ملل عالم سرشکسته و مخذول نخواهند و ان را که باید بجایند هر چه زودتر بکنند، اما هیئات هیئات (خود غلط بود آنچه ما پنداشتیم)

گویا آن سرور غیبی که در آفاق این ملک ترائه معدلت میخواند هنوز در این خطه فدای روح افزای خود را بمساع اهالی نرسانیده یا اینکه آنها از نعمات عدل و مساوات و منافع مشروطیت دولت بجز و بی اطلاعند، ما خود آفت تقاضیل و شروحاتی که جراید مختلفه و لوائح و قوانین هر یک بطرزی خاص و نهی مخصوص در محلات مشروطیت و مذمت استبداد نوشته اند ما نیز یکی از هزاران و اندکی از بسیار را مینویسیم تا بدانند و فهمند که این نعمت عظمی و عطیه کبری چه وقع و عرصه ای میسرش غیبی از جمله حرفهای بدست در مشروطیت زده یکی اینست،

د اگر مایه مایل تند استند از منخاص و به بقاء دائمی و استقلال حاوی عالی و بزرگوار، باید اولاً رقیبه خود را از زبربار... قاغ سازد ثانیاً... که روح منوی... مناسد مسان افراد خود جاریه دارد، و... صحیح و استقلال درست در روستایه است... محال است که نده ندی متعجب و متعجب... معلوم است که ترقی ملت از وجود افراد آرا... توند بود، و در صورتیکه افرادش در جنگ استبداد گرفتار و در تحت رقبت باشند چگونه تواند قدم در راه ترقی

بردارند یا استعاضی بجزایب خوشبختی و رفاه خود کنند، بل بر عکس همیشه در دین و پستی باید بخلد ماده خیال طیران در جو معالی را ارمیتخته خود بردارند، مشروطیت همیشه با حریت حقیقی مات توام بوده و ملق که از سرچشمه حریت مشروع سیراب و باین عطیه کبرایه ذقیقت حتما در جاده ترقیات داخل میشود یعنی نفوسش هر يك خود را موظف بوظائف مخصوصه و مکلف بشکالیف معینه دانسته و همینکه فهمیدند در اجراء خیال مشروع خود عایقی ندارند البته در راه ترقی نوع بذل جان و مال خواهد نمود.

نکته دیگر هم گفته که باید نهفته نگذارم، اولین وسیله حصول حریت و نخستین سرطابه که بایست در بازار این متاع گران بها مصرف گردد، هما اتفاق و اتحاد افراد امت میباشد، که اگر امروزه هر ملت و دولت طالب رسیدن اعلی درجه نیکنامی و خوشبختی باشند بایست توسل باتفاق نمایند، اگر در این عصر ضابطه و قبیله یا خانواده و عائله بخواد خود را از مرگ و نیستی محفوظ دارد، باید در رفع مفاسد نسک باتفاق جوید، اگر ماتی بخواد حدود و نفوس خود را امن، افراد را از حقوق اسابت بهره مند، قوانین صحیحه اجراء، مالیه دولت منظم، دایره عسکری مرتب، قواء اجرایشه درست مشغول بکار، نظم و امنیت داخلی برقرار سازد، باید چشم از اتفاق نبوشد، هرگاه مات بخواد مستخلص شود از دست آنهایکه بی سابقه استحقاق و بدون حجه و علت سلسله جنیان استبداد شده، بندگان خدا را طعمه اغراض نفسانی خود ساخته، بی خوف و هراس بل با اعلی درجه تردستی و جسارت ضباع و عقار و ناطق و صامت آن بدبختان را کیف مایشاء تضییع کرده و میکنند، باید حبل المتین اتفاقرا سخت گرفته و از کف نهد.

بدون اتفاق عمال است که اهالی این ملک را آب خوش بگلو فرو رود، بدون اتفاق ممتنع است که حنوق عامه دست خوش مغرضین و مفسدین نباشد، بی وجود اتفاق شواهد حریت را در عالم خواب و لفظ آنرا در صفحه کتاب خواهیم دید، بی حصول اتفاق تجارت خراب و مختله، تجار ذلیل و معطل، کسبه و اصناف بدبخت و مخدول، اعیان و اشراف مقیم و معلوم خواهند

بود، و بعبارت مختصر طبقات تشکله همگی سرگشته و بدبخت خواهند شد، و در همچو حالی ابواب جدید فقر و احتیاج بر روی آنها باز شده منابع ثروت مادی و معنوی ایشان روی بقات خواهد نهاد و وخامت نتیجه آن هم معلوم و مفهوم است که پس از چندی اضمحلال ملت ظاهر خواهد گشت.

ای اشخاصیکه طالب جز وجه و شرف و شوکت و رفعت هستید، آیا هیچ اعتنائی باین نکات باریک کرده و بمضای دقیق آن بی برده اید؟ ای آنهایکه خود را جوهر تمدن و اسابت دانسته و محض جلب ریاست و جذب فوذ کلیه حقوق مردم را با پمال استبداد خود داشته اید؟ آیا معنی اتفاق را فهمیده و تفسیر ففاق دانسته اید؟ آیا شرمنده و مفتضح نخواهید شد وقتیکه اسامی غیره باریک شما آقایان صفحه جراید را ملوث دارد، و فصول و ابواب در وصف افعال و اقوال شما نوشته آید؟ آیا سگ اهلی نخواهد بود که خودتان در حال حیات انگشت نمای هموطنان و بعد از ممات از ذکر خیر محروم و اخلاف خودتان را بمنزمت دائمی گرفتار سازید؟ خوب است حتی از روی بصیرت و نامل بحالت اعمال سابقه و کردار لاحقه خودتان تعمق کرده و توجیهی بحال و استقبال خود فرمائید، و وحدان خود را قاضی ساخته دقیقا در صدر و ذیل مطلب بگردید، آنوقت خواهید دید که هزار مراحل از جاده اسابت دور و از طریق مدنیت مهجور هستید (ازین بیشتر گفتن نشاید)

ای عاها اعلام، و حامیان شریعت حضرت سیدالامام شما ها که اعلم و افهم افراد این ملت ستمدیده هستید فریضه آتی و وظیفه واجبی فعلی که دارید این است که در هر شهر و بلد در تشیید اساس مدنیت و آزادی و حریت مشروع و تحکیم بیان مشروطیت و انتظام مجالس محلیه و حفظ حقوق عامه و خذلان مستبدین و تشویق مات خواهان و ترغیب عوام بجماده اتفاق و تحذیر از ففاق و شقاق بذل مجهود فرمائید، امروز قواء معنوی در کف کفایت شما و حکومت روحانی مات یا خودناست و موقع اقتضا میکنند که محض هم چشمی و رقابت موهوم رشته ففاق را بکف گرفته مردمان ساده را آت پشرفته اغراض خود سازید.

امروز شما باید از زخارف دنیوی چشم پوشید. تا بتوانید در پیشرفت حوائج ملت چنانکه لازم است بکوشید. امروز این ملت را چشم بصیرت باز شده خوب از بد تشخیص و زشت از زیبا را تمیز داده مصالح و مفسد را درست میشناسند و با این بصیرت حاصله دیگر محالست که خود را مال‌الصاح معاونین مستبدین سازند و شما هم که حارسین حوزه اسلامیت و حافظین حقوق ملت هستید میبایست اهمیت و ظایف خود را از نظر دور نکنید، چونکه آن و ظایف خیلی گران و عدم افزایش موجب خسران خواهد بود. امروز شما راست که از چاپلوسی و تمناقت و مدهائنه مستبدین فریفته نشده آنرا دست تسلط وید اقتدار بر این ملت ستم رسیده ندهید. امروزه شما نباید از ذلت حاله اسلام و آثار اضمحلالی که بحساب مال اسلامیه استقبال نموده بی خبر بمانید بلکه باید چشم مبارک را با وضاع عالم و پولتیک حالیه ام دوخته اسلام و اسلامیانرا از لطافت جاسوز نگهداری و محافظت فرمائید. این بی اطلاعی شما از اوضاع رمان و عدم استحصاران از حالات حالیه داخله و خارجه خیلی باعث حرمان ملت شده و خیلی مصالح آنان را هدر ساخته است

(ترسم آزرده شوی ورنه سخن بسیار است)

ای بخار عالمدار ذوی‌المرز والاعتبار. گویا نتوان انکار نمود که امروزه تجارت مملکت نه بیک درجه بل بمدارج شقی مخزل گشته، علتش نیز جز بیعاری شما آقایان هیچ چیز دیگر نبوده و بست، و کنون اگر شما که اشرف طبقاتید باز بهمان خیالات دور و دراز بایند گشته و از فرط بیعاری مانند نفع و ریح عابدی مغرور شوید، و از فرط ناهمی انوار عالمات خورشید را بجهت تنویر مجالس خود ناقص و غیر قابل بداید، لا محاله زمانی خواهد آمد که کلیه منافع در کعبه دیگران رفته شما آقایان مکاری امنه خارجه و حال بارکش آنان خواهید شد.

پس از محض حفظ شرف ملیت و دوام اساس و بنیاد تجارت و دفع و حلو گیری از تزئید و پیشرفت دیگران واجب است که در هر محل از بعضی رقابتهای جزئی که اصل و فرعش همه موهوم

و نتیجه جز بر بادی خودتان ندارد چشم پوشیده اقل نظر به مرتگان فرنگی خود فرمائید، و از آنها سبق بگیریید که چگونه با یکدیگر متحد و متفق شده بهارا دستخوش حرکات خود فرموده اند

(تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل)

ای کسبه اخبار دیانت شعار و اصناف با اصف بی حرف و گفتگو امروزه حالت شما جالب رقت است، زیرا که از یکطرف دوچار تعدیات مستبدین بوده و از طرف دیگر فقر روحانی چنان شما را بیچاره ساخته که از فرط بدبختی از دست ظالمی بظالمی دیگر باید ملتجی شوید. مال‌الصاح اغراض مغرضین شمایید، آلت دست و محل نفوذ حائین شمایید. کسیکه حقوقش پایمال و خودش سرگردان و حیران مانده در سایر طبقات محروم و گننام ممانند شما هستید. بحقوق اسلامیت سوگند که هر منصف باخردی را از مشاهده احوال شما حکر یاره شود، زیرا که در زمان استبداد همه بلاها بر هر طبقه شما وارد و نازل گشته و هر چه رفته بر شما رفته، و حالا که بحمدالله انوار تمدن و حریت ناییده دیگر چرا باید بهمان میزان سابق با شما رفتار شود. چرا باید حقوق رعیتی و ملی شما از کف برود، و خودتان از فرط نادانی باین و آن جسیده در زیر لوای حائین اجتماع نمائید. ترك کنید این روش بچرا و موقوف سازید این رعب و هراسی که در دلتان جایگیر گشته و باعث دلشکستگی شما شده است. اتفاق کنید بر امور خیریه و معاملات صحیح که تروتهای از کف رفته‌تان را پس آورد و کر ننبد بتوسعه ادهان خود و اطفال خودتان، زیرا که دوره نه آن است که حسب و نسب موجب رفعت شان گردد بلکه علم و عمل درکار است که اساسا مدارج عالییه برساند انهی کلامه پس از ورود جناب دریاییگی بیوشهر نظار خواستند از عمل خود استعفا دهند، ولی جناب مشار الیه موافقت به استعفایشان نموده و عرض دفع نصی کدورتها امر نمود تعرفه را در منزل دیگری از بخار (که از دائره نظار خارج است) بدهند، ولی مردم از این عمل منزجر گشته کتر از سابق تعرفه بگیرفتند و بالاخره نظار مجبور شدند که از آنجا انتقال بمنزل یکی از خودتان نمایند و در آنجا تعرفه بدهند. موقع انتخابات

شده گفتند آنها آدم فقیر کاسبند من به آنها چیز نمی گویم . اینست صورت که برادر سفیر علی اکبر خان قونسول شب بمش داده کاغذ را گرفته خط خود علی اکبر خان بود اسامی بدین قرار است

میرزا علی بن محمد علی ۶۸ سال

حسین بن میر باها ۴۰ سال

خلیل بن حنیفه ۲۵ سال

خبرالله بن آقا علی ۳۰ سال

غلام بن علی قاسم ۲۰ سال

حیدر بن اسد ۳۵ سال

دیگر بنده را قدرت نوشتن نماید، چشم خیره، دستم تریزه گرفت دل بریشان شنیدانم چه بگویم، باقی مانده به مات دوستی ودوات خواهی حضرات عالی وکلای ملت و حضرت سمدالدوله وزیر امور خارجه مدظله

نگارش یکی از فضیلات جلیل

مشروطه ایران صانها الله عن الخدائن

در آغاز کار ملت ایران کرامت نمودند و تمام دنیا را بحیرت در آوردند در صورتیکه اهل ایران از چگونگی مشروطه آگاه نبودند غیر از چند صد یا هزار نفر این کلمه را نشنیده و یا شنیده معنای این کلمه را نمیدانستند، لفظ استبداد و مستبد را يك سال است ترمینة مطالب جراید قرار داده و تکریم کلام متکلمین شده، این مشروطیت مانند سایر امور مقدمه نداشت که تدارك شود. اذا اراد الله شیئاً هیئ اسبابه، خدا اجر دهد عین الدوله را، از آنجائیکه گفته اند

(عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد)

علاء الدوله ندانسته بغلط چند نفر قند فروش را خوب کاری نمود و ماده هم مستعد بود، مردم را بیجانب آورد، خصوصاً طبقه جایله تجار با غیرت طهران و بسکه ظلم بدرجه کم، رسیده و خداوند ارحم الراحمین نظر لطف و عنایت بسوی مظلومان داشت و از اتفاق حسنه این هیجان و تورش بوقتی تصادف نمود که طام یادگار امیر کبیر میرزا نقی خان جرد خود مبتلا بود دیگر قوه نمانت نداشت، نانی طامع داخلی منفور و مطرود بود، مات در زمان پادشاه عدالت گستر و رعیت پرور و رؤف و سمرهان اتفاق افتاد که با يك جنبش مردانه در

ملك خارجه تحصیل چنین نعمت عظمی را ملیونها نفوس قربانی داده اند بقدا کاری دوسید بزرگوار عالی درجات پادشاه رعیت خواه خواهش ملت را قبول و بربیع بلیغ مرحمت فرمود که در تاریخ دنیا این موهبت کبرا را بنام نامی آن بزرگوار با خط بر جسته با آب طلا ثبت و ضبط نمودند

(زنده جاوید ماند هر که نکر نام زیست)

(کز عقبتش دگر خبر زنده کند نام را)

در ابتدای کشاد مجلس که عموم اهل اروپا ایرانیان را بی علم بی اطلاع میدانستند چنان اطلاق های فصیح و بلیغ نمودند که انگشت حیرت را عموم اهل فرنگستان بردهان گذاشتند، مورث نحسین و نهجید گشتند تا بورود آنکه میدانید عموم متخین مجلس برادر وار یکدل و یکجهت مشغول کار بودند، نظر همه مجلسیان در آن نقطه بود که وطن ما را مرض صحت العلاج طاری گشته با حکمت عملی رفع این مرض مهلك نمانیم و کم کم بمعالجه پردازیم، هر چند از چند نفر بوی نفاق استشمام میشد لکن بمضمون النادر کالمعوم جزء تابع کل بود، یاری دم زدن نداشتند، ناگاه رفیق جناب عالی حاضر شد، و در صدور نام و سواس اداخت، تخم نفاق در میان اهل مملکت عموماً و میان اهل مجلس خصوصاً پانید و عات نئی تشریف فرمائیش هم همین بود که محس ورود بکار برد

از آنجائیکه (نکنه بدانند در عالم بسی) محس ورود جناب سمدالدوله و امثال ایشان که نکنه سنج و کار آزما بودند عاقبت امر را وخیم دیده ارضسرت جانی و مالی اندیشیده استعفا داده و قایه ناموس و حیات خود نمودند، همین روز که جناب مشارالیه استعفا داد عقلاً دانستند که کار نکجا مانجر خواهد شد، و منتظر بودند که اعضای محترم مجلس پارست کی دست و گریبان خواهند شد، و نمره تخم افشانی و آبیاری آن بود که در اطراف و اکناف هر کس سری داشت بلند نمود، یکی بدعوی امارت دیگری بنیاد خیابات، و سومی بقتل و غارت مشغول شده سبب اعدام هزاران نفوس زکیه گردیده باعث خرابی دهات و قصبه ها و تلف جان و مال رعیت پادشاه

و مسلم بیگناه شدند، و جای انکار نبود که مجلس هم در حالت نزع بود، و حال که آلت رفت، بعد از این چگونه خواهد شد، اگر چه تا یکدرجه معلوم است، ولی پیشین گوئی نتوان کرد

خلاصه تا اینجا مقدمه بود، منظور ما استفتاء از علماء اعلام و فقهاء کرام است، آیا رفیق جناب عالی شرعاً در قتل خود مسئول است یا نه؛ زیرا در صد نود احتمال میداد و اینکه بدرجه قطع میدانست که در ایران او را زنده نخواهند گذاشت، و علاوه بر این دوست و دشمن خبر دادند که محض قدم گذاشتن بخاک ایران او را خواهند کشت و حیاتش در خطر است، روزنامه ارشاد صراحتاً اعلان نمود، عباس خان مهندس را با اشتباه عوض او کشتند، و بعد از ورود بازلی بالمشافهه گفتند که اگر مانند سابق حرکت کنی کشته خواهی شد، با وجود این آثار و علائم و مشافهه باز حق ریاست چشم حقیقت بینش را کور نمود.

(خوی بد در طبیعی که نیست)

(زود تا بوقت مرگ از دست)

در طفولیت در ابواب الجنان خوانده بودم که در ایام پیشین هر سال و زبری تعیین میکردند، در آخر سال دست او را قطع کرده بهوا میدادند، هر کس که میگرفت او را بوزارت انتخاب مینمودند روزی دست وزیر را بریده بهوا انداختند همان وزیر دست بریده با دست چپ دست راست خود را گرفت، سؤال کردند که آیا زحمت دست بریده خود را فراموش کردی که دوباره با کار اقدام نمودی؟ گفت لذت مکیدن اسنخوان مرغهای لطیف غلبه بر زحمت بردن دست داشت، و این بیچاره هم ارشادت قرعن و عرور و حب جاه خود را مالک رقاب ام دانسته حیات عموم ایرانیان را در اصاع خود میدانست، این آوازه راطنین مکس پنداشت، دانسته و فهمیده خود را هدف تبر الا نمود، و مفاد آیه وافی هدایه (ولا تلقوا باید یکم الی التهلكه) را پس پشت انداخت، و خیال کرد که من سبقت میکنم در قتل، از موحدین کسی را زنده نمیگذارم که مقول باشم، باستمانت مستبدین همه را از روی زمین بر اندازم، و چنانچه کتباً و

تلگرافا بموم ممالک و شهرهای ایران دستورالعمل داد و خون مسلمان ریخت، غافل از اینکه (من قتل نفساً متعمداً فجزاؤه جهنم خالد فیها) حکایت جنگیز را نازه نموده و قایه حیات خود را نتوانست نمود، آیا این شخص مسئول است یا نه؟ استدعا اینکه جواب این مسئله را بدهند

بعضی را عقیده اینست که این شخص خیال کار گذاری داشت، لکن مانع خیالات او میشدند و نمی گذاشتند، اولاً در این چهار ماه علامت صدق و کذب قول او مگر مشاهده نشد، و این مسلم است که اگر کسی جداً نیت کار گذاری داشته باشد و موافقی در راه خیالات خود به بیند و عجز از رفع موانع سازد سبب انقلاب و آشوب نمیکردد، و فی الفور استعفا میدهد و میگوید

(من برای وصل کردن آمدم)

(نی برای فصل کردن آمدم)

باکمال شفقت و مهربانی بمجلس رفته اظهار میدارد که عرض اصلی من یار بودن با شما بود، ولی اکنون ملاحظه میکنم یاری من یاران را اغیار میکند صلاح در این است که من مدتی استعفا بجام، شاید طبیعت خود بخود اصلاح شود، و در این بین آنچه از جانبداری و اطانت شما از دستم بر آید مضایقه نخواهم داشت و غیباً کمال تقویت در امور صب شما قولاً و فعلاً و بولا خود داری نخواهم نمود، بعد از آنکه این صداقت را بکار میبرد، عموماً بعد از رفع موانع دست او را بوسیده بر سر کار میگذاشتند، چشم برحکم و گوش بفرمان میگشتند، نه اینکه اطراف مملکت را اغتشاش انداخته هزاران خونها ریخته و امرای کاردان را از پای تخت بیرون کرده سالارالدوله را دست بسته بیاورد، و مخالفینیکه ضررش مسری از جهت دین و دنیا نیست بمؤمنین و موحدین و عدول ملت لمن وطن میکنند و عدالت و مساوات را زنده میانکارند و سدهزار تومان بجهت اغوای خاق مصرف میکنند و این مرد آنها را از یکفرسخ راه نتواند بیاورد و التهاب آتش طغیان را با باران تدبیر خواموش نتواند کند، و نفهمد که این جاعت این ثروت هنگفت را از کجا آورده در راه بیدادیه

صرف میکند و محرك آنها کیست و با مرکه لاطایلات نوشته نشر میکنند و تا ورود او مات تدارکسی کرور نخواه بانگ ملی را دیده بودند و اگر آهم خیال همراهی با مجلس داشت محض رسیدن يك کرور هم خودش بانگ میگذاشت، و مردم را تشویق میکرد، نه اینکه دست کارگزاران از کار سرد میمواند اینکه در بیت الله از استقراض خارجه قسم میبخورد و در داخله هم سب امنیت و اعتبار میفرمود، پلیس بخانه سرکرده خود هجوم آورده او را حبس نماید و بی اقتداری دولت را نادای سی هزار تومان شرطالم نماید، پس معلوم است که این شخص سریدامن گذاشته بایران آمد که مجلس را برهم زند و تخم استبداد از نوافشان و نفس خود را فداییم ظلم و ستم نماید و منتهای زبریکی بخرج و اهل مجلس را فریب داده مافی الضمیر خود را بش برد، باغواوی این که منهم با شا متحد و یکدل و یکجهتم، باصولت و چرب زبانی که داشت نطق ناطقین را فروست تا ورود او همه بلبل بودند، ورود او گویا خبر از زمستان داده که بابلان خوااموشی گزیدند

(آمان که بعد زبان سخن میگفتند)

(آیا چه شنیدند که خاموش شد)

آیا این مرد دانا بود یا نادان ؟ عاقل بود یا کم عقل بدلائیل عقلی و نقلی عاقل و دانا بود، زیرا که از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کردند ما العقل قال العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان، این دلیل قیاست که اگر عقل داشت رسم عدالت مینهاد و آئین مساوات میگذاشت، در دنیا محبوب مخلوق و آخرت برگزیده خالق میشد و دلیل عقلی اینکه مرغ که از نفس برید از محالات است که دوباره داخل آن نفس شود، برخلاف این که حب ریاست دیده عاقبت پیش کور کرده طلا و جامدا خود را بقتس فتنه در انداخته، پس با حرمت قسم میخورم که واقعه، باقه، و ناقه، که از عقل محروم بود، یعنی عقاش محدود بود، زیرا که بنده نگارنده ما او یکساعت صحبت خصوصی دو بدو داشتیم غیر نبود، بیک سؤال اقتدار جواب شافی و کافی نداشت از همه جا چرند و بزند جواب میداد و مطالب را دم بریده و ناتمام میگذاشت و ازین شاخ بان شاخ میپرید،

از روی منطق جواب نداد، منها درصبت چرب زبانی کرده ما امثال بنده اظهار وطن برستی مینمود، مزاج گوئی میکرد نامتشرع دم از شریعت میزد، ما روضه خوان خود را حسین الامی بقام میداد و جان و مال خود را وقف سیدالشهدا میکرد، با بیدین بیدین بود عاها را تمسخر مینمود، با فرنگیان گوشت خنزیر میل میفرمود، با مایان سخت بای بود، نه عم وطن داشت نه فکر ملت، تمام فکرس در اندوختن ثروت و شهرت، احترام یککفر فرنگی در پیش آن بیشتر از حرمت ده نفر عالم بود، آئین مخصوص داشت، اکنون که رفت حسابش با کرام الکاتبین است، خدا بیساقی ماندهگاش صبر و حب وطن عطا فرماید، از ماست که برماست امیدوارم که من حد این ملت غیور این تله بازبیا و از زبان بردارند و بجز از خدا از کسی نهراسند افضل عبادات گفتن سخن حق است، در پیش جبار ظالم مقتدر از حق گوئی نیاندیشند، مؤمنین را برادر خود دانند و غیر مسام که در تحت حمایت سلطان اسلامند آنها را عزیزتر بدانند تجاوز نجاف و مال عرض و ناموس ایشان نکنند، و احکام شریعت مطهره را پیشنهاد خود سازند تکبر و امیدیت را موقوف نمایند، زیرا که در خلافت سرموئی از هم فرق ندارند، ثروت دنیا بمناسه جرك است که بعد از شستن رایل میشود، فخره ثروت خود نکنند، برادر وار در قضای حوایج همدیگر سی و کوشش نماید، و کذا اهل قام که بکفر امروز خائن است فردا اشرف اقدس نشوبند، اول دقت فرمایند که اشرف را خائن و خابن را نام نبرند و قتیکه یقین نمودند اشرف است اشرف نگویند خابن و خاسر سرانید

(ای من فدای آنکه دلت ما زمان یکیت)

زنده باد مؤبدالاسلام، باینده باد حبل الدنبن

(بر آت منکر که ذوقنون آید مرد)

(بر عهد و وفانگر که چون آید مرد)

(از عهده عهد اگر برون آید مرد)

(بر هر چه گمان کنی فزون آید مرد)

یا شاسون مشروطه خواهان، یا شاسون مجاهدین اسلام، یا شاسون اعضای غیور پارلمنت، خوار و ذلیل باد امثال شیخ . . . و ارفع الدوله و امثال ایشان که

دنیا را هرج و مرج کرده این آدم را بسلاخ خانه آورده دلیل راه عدم شدند، عاقل از نتیجه سوی افکار خود

(یاد داری که وقت آمدنت)

(همه خندان بدند و تو گریان)

(همچنان زی که وقت رفتن تو)

(همه گریان بوند و تو خندان)

مسلم، درینوقع مسئله بر عکس این شعر واقع شد
کنفرانس صلح عمومی لاهی

(و دولت خنیه ایران)

در ضمن اخبار قبل کنفرانس لاهی شرح تکلیف دولین آلمان و امریک شاهی را راجع بتأسیس محکمه عالیہ بین الدول آیام جنگ از برای تحقیقات و محاکمه کشتی های توقیف شده نوشته ایم

بموجب تکلیف اولی که تفصیلات در شمار های قبل مندرج است، دولت عالیہ ایران بهات نداشتن قوه بخریه لازمه بکلی از این محکمه بین الدول خارج بود، ولی از قرار خبرهای آخری بعد از اقدامات لازمه جناب ممتاز السلطنه و بطاق که در همین باب در مجلس کرده بود و عین ترجمه آنرا ما هفته قبل درج کرده ایم، اینک بعد از فضل الهی و توجهات حضرت اقدس مایون شاهنشاهی برای دولت عالیہ حق داشتن یک قاضی و یک نایب قاضی درین انجمن تحصیل گردیده است

مدت انتخاب قضات دول درین محکمه شش سال و عدد قضات دائمی هفده نفر مقرر خواهد شد، از این هفده نفر هشت نفر قضات دول معظمه هستند که قوه بخریه و تجارت بخریه آنها خیلی اهمیت دارد، نه نفر دیگر به نوبت همه سه ساله از میان قضات بعضی از دول که کثر قوه بخریه دارند، منتخب و احضار محکمه عالیہ خواهند گردید، و مدت حضور آنها در محکمه از روی قوه بخریه و دربار دریائی همان دول است، باوجود این جناب سارالسلطنه با اقدامات تدابیر لازمه دولت عالیہ را نسبت عظمت تاریخی و جلبش عالیہ ایرانیان بطرف تری از بعضی از دول که دارای کشتیهای جنگی متعدد و خیلی کشتیهای تجارتی هستند مقدم کرد، باین هم باز قناعت نکرد، اینک

بعد از تحصیل اصول این حق از برای دولت عالیہ از یک طرف از وزارت امور خارجه بازرگ از راپورت تجارتی سالهای آخر سفارت بازرگ مقیم طهران نسخه خواسته از طرف دیگر شرح این عمل را بمسیونوس که در بازرگ است نوشته و مجموعه تقسیم قصات را باو فرستاده و نوشت که بموجب اطلاعات او از قوه تجارتی و بحری ایران اگر دولت عالیہ پیشتر ازین هم حق شرکت در این محکمه دارد دلایل آنرا مشروحاً زود بنویسد که بدست آویز آن تجدید مذاکره در کنفرانس کرده و طالب حقوق بالاتر بشود، از یک طرف هم جناب معزی الیه اجمال مراتب را بوزارت جالبه خارجه تلگرافاً اطلاع داده و مستعدی تلگراف فوری همان اطلاعات و دستورالعمل های لازم شد و حال منتظر است که بعد از این تحقیقات اگر باز حق گفتگو در این باب داشته باشد اقدام بر مباحثه مجدد نماید، و مقصود این است قناعت بانچه تحصیل شد نکرده و نگذارد ذره از حقوق دولتی پامال گردد یکی از تکالیف دول متفقہ امریک در کنفرانس بنای محکمه دائمی بین الدول است، باین معنی که دول امریک می گویند که محکمه عالیہ لاهی عبارت از یک دفتر خانه و یک صورت اسامی مأمورین خارجه است، و این مأمورین در لاهی جمع می شوند مگر در وقت رجوع کاری بآنها، و در این صورت رجوع کار هم باید حکم های مطلوبه را از میان قضات دول که اسامی شان جزو صورت مزبوره است منتخب کرد، آنها هم اگر قبول کردند آنوقت بعد از مدتی همین آمده در لاهی حاضر میشوند، سهل است اغلب این قضات محض افتخار این مأموریت را قبول کرده اند، و حتی بعضی از آنها باین شرط قبول این مأموریت را نموده اند که هیچ وقت آنها را به لاهی نفرستند، در این صورت محکمه عالیہ لاهی محکمه است که باسانی بکار نمی آید و باید محکمه جدیدی بهلوی آن بنا کرد که واقماً دائمی باشد

دوات آلمان و دولت انگلیس هم در این مسئله محض حمایت به امریکائی ها که امروز خیلی طرف اعتنا هستند در این تکلیف آنها شرکت کردند، و بالاخره لایحه را در این باب متفقاً این سه دول بکنفرانس تقدیم

محکمه عالیہ و یا بہ محکمہ عالیہ لاهی حکمیت خود را رجوع نمایند مختار خواهد بود)

تعمیر می کنم محسوسات و خیالات عالیہ کہ مطیع حقوق جناب (مسیو دو مارطیس) وادار بر تحریر لایحه خود در اصلاح قرار نامہ سابق رفع منازعات دول بطریق صالح و عدالت کردہ است (مارطیس) نمایندہ دوم روس است و او ہم لایحه دادہ و مساوات دول را شرط کردہ است) خود من ہم مثل جناب (ادوار فرای) ، نمایندہ اول انگلیس امیدوارم کہ محکمہ حکمیت دائمی همیشه باز و حاضر بر محاکمہ خواهد بود .

این نطق جناب ممتاز السلطنہ راجع بعهدنامہ های جدید دولت عالیہ با دول دیگر چون موافق مذاق کنفرانس است خیلی اثر خوب کرد ، و ضمناً مساوات بین الدول را ہم در محکمہ شرط نمود ، و قرار دادہ شد کہ لایحه بنای این محکمہ عالیہ بین الدول برای تربیبات لازمه بدارہ امتحان کیسیون اول کنفرانس فرستادہ شود

مدتی است کہ از این قرار و مدار گذشتہ ، و ادارہ امتحان مشغول مذاکرہ بود ، ولی حالا این مسئله دچار اشکالات خیلی بزرگ شدہ است ، و آن این است کہ در اول تکلیف این امر ہمہ خیال می کردند کہ قضات دائمی این محکمہ بنوبت از میان قضات چهل و هفت دولتی کہ در کنفرانس نمایندہ دارند منتجب خواهد شد ، یعنی ہفده اشخاص عالم و بکلی بی طرف و امین از میان آنها باکثرت آرا دوازده سالہ بشرایط خیلی سخت و بمقرری زیاد و با قسم و سوگند بہ تربیتی کہ در لایحه مخصوص آن نوشته شدہ است ہمیشہ منتجب شدہ و در لاهی مقیم و مشغول محاکمہ مطالب و منازعات بین الدول خواهند گردید ، (درانی قرار شدہ است کہ مخارج آنها را کمتر نمایند و باہا اجازه بدهند کہ در ایام بی کاری در خارج ہولند ہم بشوند مقیم بشوند بشرطیکہ دور تر از پست و چہار ساعت راہ از لاهی سکونت نکنند و در ایام مفید ہمیشہ بلاہی بیایند)

ولی حالا بعد از یک ماہ مذاکرات دول معظمہ در این باب بای زور پیش آورده اند و می خواهند کہ این امر را اسباب استیلائی خودشان بدول دیگر قرار

نمودہ و قبول آنرا خواستگار شدند ، چنانکہ مطالبہ کنندگان نامہ مقدسہ می بینند این خیال بسیار خیال خوبی است ، و اگر بقاعدہ از قوہ بفعل بیاید عمقاً بزرگترین خدمت است کہ در استحکام عدالت بین الدول بعالم انسانیت شدہ است ، این است کہ تقریباً تمام مأمورین دول خارجہ در کنفرانس این خیال را قبول کردند و نطقهای عدیدہ در محسنات آن در کنفرانس نمودند ، این است کہ جناب ممتاز السلطنہ نمایندہ اول ایران ہم یا شدہ محض اثبات نیت حسنہ دولت عالیہ در کنفرانس در استحکام بنای صالح نطق کرد و اجمال آن را بقرار قبیل در صورت مجلس سیم ماہ اوست فرنگی ثبت کردہ اند

ترجمہ از صورت مجلس سیم

(کنفرانس صالح لاهی)

جناب ممتاز السلطنہ نمایندہ اول ایران این طور نطق کرد :-

سفارت مخصوص ایران در تمامی تکالیفی کہ می تواند اساس مسئلہ حکمیت را محکمتر نمایند رأی مساعد خود را اظہار کردہ است دولت امپراطوری ایران محض اثبات نیت صداقتہ خود در اجرای فصل شانزدهم قرار نامہ سال (۱۸۹۹) راجع بر رفع اشکالات و منازعات بین الدول بطریق صالح و صفا بعد از کنفرانس اول لاهی ہمیشہ در عهدنامہائیکہ بعد از سال (۱۸۹۹) با دول دیگر بستہ است ، فصلی را مخصوص حکمیت اجباری فرمودہ است و عهد نامہای ملحقہ فیابین دولت متبوعہ من و دول برزیل و مکسیک و شیلی و آرژانتین و اورقای شاهد این مسئلہ هستند

پس با کمال خوشوقتی سفارت مخصوص ایران بتأسیس محکمہ عالیہ دائمی حکمت بین الدول کہ دول متفقہ آمریکا تکلیف کردہ اند رأی می خواہد داد و این مسئلہ را مؤید و اسباب ترقی صلح عمومی و استحکام اصول عدالت می داند و امیدوار است کہ در این موقع اظہاری کہ جناب نمایندہ اول انگلیس کرد منظور نظر کنفرانس خواهد شد

(مأمور انگلیس محض رفع خوف بعضی گفت کہ هیچ یک از دول دیگری را مجبوراً باین محکمہ نخواہند آورد و ہر یک از دول کہ بخواہند باین

اول خوب است آنچه راجع ایران است برای اطلاع خاطر ملت غیور ایران بنویسم

باوجود اینکه وضع داخله و سرحدات ما بدرجه متقلب است که هر روز در کنفرانس مایه خجالت مأمورین ما میشود و در این موقع همه می بینند و می دانند که از شرایطی که در موقع تقسیم قضات محکمه عالیہ منظور نظر بوده است از علم و صنایع و تجارت و مکاتب و قوانین و قواہ بحریه و بریه و غیره و بدبختانه در مملکت ما تا امروز چندان ترقیات منظور نیست، و باوجود اینکه هر یکی از مأمورین دول دیگر از همین قبیل چیزها دسته راپورت و دستورالعمل آورده و ثابت مینمایند که فلاقدر ملبار و تجارتشان امسال شده است و علوم و قوانین و صنایع بفلان درجات عالیہ رسیده و فلان مباح کشتی تجارتی و تجارت بحری دارند و غیره و غیره حتی اطارت بلغارستان آتیه ترقیات را که در علوم و صنایع و ثروت ملی کرده است دست آویز می کند و منسوخ شدن (کاپی نولا سیون) یعنی حکومت مأمورین خارجه را در بلغارستان سکه در عثمانی و ایران هنوز بدبختانه هم باقی است اسباب افتخار خود و دلیل ترقیات خودشان قرار داده اند ولی بدبختانه در مملکت ما هنوز اثری از این چیزها نیست، باوجود این ها جناب ممتازالسلطنه با آن غیرت فطری و فرط وطن پرستی که همیشه از وظایف و شرایط زندگانی خودشان دانسته اند که تاریخ قدیم و تمداد نفوس و ادبیات عالیہ و تمدن چندین هزارساله و ترقیات جدیدہ و غیره و غیره ایران را دست آویز کرده شفاهاً و کتباً به کنفرانس سخت پروتست کرده است، آنچه در این دو هفته شب و روز در رفع این مسئله و به هم زدن این کار بکلی بعمل آورده است انشاءالله از نتیجه عمل معلوم خواهد شد یعنی اگر بکلی این ترتیب تقسیم دول بهم خورد تا اندازه از پروتست های ایشان خواهد بود، عین پروتست جناب معزی الیه را که جزو صورت مجلس کنفرانس نوشته شده و بهترین اثر را در این مجلس عالیہ کرده که اسباب افتخار است و عین آن باداره ما رسیده ترجمه کرده در آتیه برای ملاحظه ملت ایران می نگارم

بدهند، و من بعد محاکمه آنها را به بد قدرت خود شان در آورند و قرا بدهند که از این هفده نفر قاضی دائمی هشت نفر شان همیشه از طرف آنها بشوند، یعنی قضاتی که دول انگلیس و روس و آمریکا و آلمان و فرانسه و اطریش و ژاپون و ایتالیا معین خواهند نمود تمام دوازده سال را در این محکمه حق حضور و محاکمه داشته باشند (از طرف دیگر قرار میدهند که اگر در موقع محاکمه نه نفر از قضات حاضر باشد کافی است، و قنوی آنها بحری خواهد شد، در صورتیکه از نه نفر هشت نفر قاضی دول معظمه خواهد بود) و نه نفر قاضی دیگر از قضات دائمی محکمه میان قضات سی و نه دول دیگر که در کنفرانس نمانده دارند متقسم بشود، و این سی و نه دولت دیگر را برحسب تعداد نفوس ملل و اندازه ترقیات قوانین و تکمیل علم حقوق و اهمیت منام و رونق تجارت و صنایع و رواج علوم و مدارس و غیره و غیره آنها بر چهار درجه قسمت کرده اند

قسمت اول عبارت از عثمانی و اسپانیا و هولند است (هولند با مستملکات خود) و قضات آنها مدت ده سال از دوازده سال را حق حضور و محاکمه خواهند داشت

طبقه دوم، عبارت از سیزده دول فرنگستان و آمریکا است

طبقه سیم، ایران و سیام، و سرستان، و بلغارستان است، که دو سال از دوازده سال را قضات آنها و دو سال دیگر بایب قضات آنها حق حضور و محاکمه دارند

درجه چهارم، هیجده دول دیگر آمریکا و فرنگ هستند، که قاضی هر یکی فقط یک سال از دوازده سال معینه را حق محاکمه در این محکمه عالیہ دارند.

معلوم است که این ترتیب اسباب رنجش و جوش و خروش اغاب این دول شده است عثمانی و اسپانیا که تا حال جزو دول معظمه بودند حالا از آنها سوا شده اند

نفرت و عدم رضایت ایرانیان

(از قرار نامه روس و انگلیس)

(نقل از انتباه نامه مطبوعه ایران)

(فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین)

از سال هزار و سیصد و پست و چهار که توکب سعد ایران از افق تأییدات غیبی طلوع نمود، و آزادی زبان و قلم افکار سلیمه را در اظهار بیانات سیاسی و بلتیک جاری ساخت، جراید بسیار که هر یک چون ستاره از بس دیگری طالع می شوند آنچه که لازمه وطن پرستی و ملتخواهی و حفظ بیضه اسلام و حرست استقلال دوات قدیم قوم ایران است نگاشتند و الحق چیزی فروگذار نکرده، مدیر محترم روز نامه مقدسه جبل اللین که چهارده سال قلم برداشته در حفظ سیادت و سعادت ملی باخوض دل خود نوشته و کتابها بر کرده و طفل رضیع او جبل اللین بومه که با زبان شیرین و بیانی نمکین داد ملتخواهی و وطن پرستی میدهد این دو نامه با عاقبت سعادت ایران یکی از سال گذشته دیگری از چندی قبل نیرنگ دو همسایه مهربان یعنی معاهده روس و انگلیس را مبحث روزنامه های خود قرار داده، و بزبان ساده عوام فهم نمودند و خواطر اعضای محترم شورای ملی را تکراراً و جداً مستحضر ساختند و خواستار اقدامات از وکلای معظم و انمای محترم بودیم، مدتی گذشت و در کارخانه فراموشی ماند، چون بتازه کی مجلس آذربایجان از این واقعه فحیمه از جای متوق مستحضر شده که بخت در معاهده ختم گردید، و عقرب بامضای دولتیین خواهد رسید

حال ای برادران ای مسلمانان، ایران وطن ماست روس و انگلیس چه معاهده ایست بر سر ایران می نمایند، هیچ خوابی طارا فرا گرفته، ضرب ماملت قدیم قوم بی حس شده ایم، نزدیک است آب از سر گذشته تیر از شصت رها شود این نکته را باید درست در نظر وقت داشت این معاهده که مثل زن دو شوهر میباشد بدتر از حال و مال هند و بخارا هست، شک نیست که اگر معاهده این دو همسایه چنانکه متصور آنها است پیشرفت نمود ایران در مخاطره و فشار دو سنگ بلتیک همبگان چون طوطیا نرم خواهد شد، در ابتداء

شروع با اجرای آن نفوذ قومیت ما از میان خواهد رفت، بخدا اندازه فشار خواهند داد که شخصیت مام مضمحل، فرد فرد مات هر روزه بگره رقصاتی تمام خواهند شد، اسلام را محو، ایرانرا اسی نخواهد ماند، برادران تا زود است و وقت نگذشته باید عموم مات ایران بیکران بساحت قدس بحاس مقدس شورای ملی عرضه بداریم

ای قادیین ملت، و ای ساقین مملکت، ای حارسین استقلال دوات شش هزار ساله، ماملت بداریم، و در سر حفظ حقوق خود هشیار دیگر دست نشافه روس و انگلیس و چنین معاهدات بلتیک نخواهیم شد، بخواید وزیر امور خارجه را، و سبب معاهده در این را در سر ایران برش نایید.

ای مجلس مقدس، ماملت بهیج وجه این معاهده را قبول نخواهیم کرد، و باخوف خود در دفع ر-وخ اجانب حاضریم.

ای هوطنان عزیز تا چند باطوار سابق (انشاء الله بزاست) خواهد گفت، این همه از گور..... بر خواسته، دوازده روز توقف او در پطر-بورغ امید خیلی نتایج برای دشمنان است، تا... این ایران است و تا ارفع الدوله سفیر... در بابالی و نمک بگرامان چند مصدر کارند استقلال ایران را باید فایحه خواهد، ای برادران حمیت، ای آذربایجان الله اکبر

تلکرافات روتر راجع بایران

(۲۱ شعبان - ۳۰ ستمبر)

غیر (روتر) از طهران خبر میدهد که حسب الایهای اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی خلداده ماکه ۲۵ نفر منحرفین از مجلس شورای ملی باز گشت بمجلس نموده و اظهار داشته اند در آینه همراهی تمام با مجلس و اصول مشروطیت خواهند نمود. اهالی آذربایجان حضرت هابونی زایداعلی ما سبق منشر شده مجلسیان صداها را بزنده ماد شاهنشاه ایران زنده ماد شاهنشاه جوان بخت مشروطه خواه بلند نمودند از این رو ترقی و قوت مجلس و پیشرفت امور در آینه نمایان است

(۲۵ شعبان - ۴ اکتوبر)

در (طمس) لندن خطی از (کرنلین) کنتر سابق بلوچستان اشاعت یافته، در آن ظاهر داشته است که

قرارداده دولتی انگلیس و روس تجارتاً و سیاستاً و صنعتاً در حق حکومت هند و دولت انگلیس بدرجه کمال مورث منقصت و مضرت است، ضمناً نوشته که ظاهراً مأمورین دولت روس اطلاع کامل از اقلیم آسیای وسطا داشته، برخلاف آن نمایندگان دولت انگلیس بی بهره از آن اطلاعات بوده اند (کرل بیت) در این موقع تذکره خط (لاردرکوزن) مورخه (۲۹) جولائی هم نموده که مینمایاند اگر اداره خارجه انگلیسی اشخاص قابل و اهل خبره و اطلاع داشته باشد شکی نیست که نفع عامه کاملاً حاصل تواند شد

§ جناب سعدالدوله از وزارت خارجه استعفا نموده و پرس علامه السلطنه بجای ایشان وزیر خارجه مقرر شدند

§ سفير انگلیس مقیم طهران موقتاً برای تبدیل آب و هوا روانه به انگلستان گردید

§ امیر بهادر جنگ رئیس کبیبون ایران برای تصفیه سرحد ترکی مقرر شده است

تکرافات

(۱۸ شعبان - ۲۷ سپتمبر)

§ مخبر (رونر) از شنکهای خبر میدهد که در (کینگسی) شرق طایفه (بوکسر) بغاوت نموده، يك از کیشانشان ایتالیائی وعده کثیری از نصارا را کشته (لازارست) را در (کنچوفو) سوزانیده کیشانشان دیگر در (کین فو) بنه برده، طلب یاری از حکومت تاگرافا نموده اند

§ حسب الرأی سلطان عبدالعزیز (مسیوارگنولت) سفير فراسه را اجازه رفتن در (رباط) داده شده که مشورت دهد او را درین جنگ

§ دونماید (مولی حفید) در (مزغان) رسیده خط مخصوص (مولی حمید) را بنام امپراطور آلمان حامل بوده اند

§ (جنرل درود) خبر داده که تاکنون ۶ قبيله از قبایل عرب شروط مصالحت را قبول نموده اند

§ (سر ایادرگورست) نماینده دولت انگلیس بجانب مصر رهسپار گردید

(۱۹ شعبان - ۲۸ سپتمبر)

§ مخبر (رونر) از شنکهای خبر میدهد که کیشانشان

(پروتستانی) در (کنچوفو) با املیت تمام زیست مینمایند

§ (مسترتف) وزیر جنگ دولت متحده امریکا وارد (نوکیو) گردید

§ وقایع نگار (طمس) لندن خیلی تأسف خود را از اشاعه مضامین روزنامجات امریکائی برخلاف ژاپونیان اظهار داشته است

§ در (واشنگتن) افواه است که روانگی دسته جات جہازات جنگی امریکا در بحر (پاسافیک) بجهت تعمیرات لازمه معطل مانده است

(۲۰ شعبان - ۲۹ سپتمبر)

§ (مسترتف) علت رفتن خود را در ژاپون چنین اظهار داشته که بجهت استحکام مودت و بنای اتحاد بین دولتن امریکا و ژاپون است، و غرضش این است در این باره دولت ژاپون را تبریک نماید و باحکومتهای قدیمه دیدن کند، فعلاً بجانب (مینلا) میرود، و نیز اظهار داشته دولت امریکا بهیچوجه در خیال مباحثه جزیره (فیلیپین) نیست

§ قوسلهای دول را اطلاع داده شده که اردوی (مولی حفید) برای مصالحت با دولت فراسه بسمت (کاسابلنکا) می رود، و از اشاعه خبر رفتن سلطان عبدالعزیز در (رباط) اصرار از (مولی حفید) منحرف شده اند

§ در (کاسابلنکا) باران زیاد باریده اردوگاه اسپانیا را خراب نموده، خوف شیوع تب وبائی است § در بندر (اروین) ظهور مرض طاعون مورث خوف شده، دولت فراسه نهایت سعی را در جلوگیری و عدم سرایت این مرض دارد، تاکنون (۸) نفر مبتلا شده اند، موش ها را می کشند، وجہازات را خارج از بندر می نمایند

§ در (مالاگا) از طغیانی آب (۱۲۰۰۰) نفوس بی خانمان و نصف جزیره (بارسیلونه) ضرق شده است (۲۱ شعبان - ۳۰ سپتمبر)

§ (مسبو تیرونی) وزیر جنگ ژاپون نفاق مفصل در ملاقات (مسترتف) نموده

§ (جنرل درود) اطلاع داده که قشون (مولی حفید) در مقام (سینا) که فاصله ۲۵ میل بجانب

جنوب است روز جمعه وارد و اهالی از او روگردان شده - از تابین وی فقط (۲۴۰۰) نفر باقی مانده اند،
 § امپراطور و امپراتریس آلمان وعده نموده اند ۱۳ نوامبر در قصر (گدهال) شریک دعوت مخصوص شوند، خطابه در تهنیت و رود شان تقدیم خواهند شد و مهباندار آف مجلس (لارد میور) خواهد بود
 § تاکنون در (اورین) ۱۲ نفر بمرض طاعون مبتلا و ۴ نفر هلاک شده اند

§ (مستر روت) وزیر داخله به (میکسیکو) رفته، پسر رئیس جمهوری و امراء آنجا باستقبالش شتافته اند
 § روزنامه جات (آلمان) می نویسد که معاهده روسی و انگلیسی ضروری به تجارت آلمان در ایران وارد نمی آرد - و علاوه بر حقوق تجارتی آلمان را با ایران سروکاری نبوده و نیست
 (۲۲ شعبان - اول اکتوبر)

§ تلگرافی از (انوا) رسیده که افواه است وزیر (کارتیت) را کبیری داده خواهد شد که با ژاپونیان معاهده نماید، تا عده ایشان در امریکا محدود باشد

§ پرنس (بولو) وزیر اعظم آلمان شاید به همراه امپراطور در انگلستان برود

§ بالون جنگی در (الدرشوت) حرکت سریع نموده - ساعتی ۱۷ میل سیر کرده - هوا هم خیلی مخالف بوده است

§ (مسترتف) را در ژاپون خیلی احترام نمودند و دوبار با امپراطور ملاقات کرد و در ضمن نطق خود در مجلس مهمانی رسمی اظهار داشته که ابرمظلم تکدیری وفق اتحاد و وداد بجاه ساله دولتین ژاپون و امریکا را فرا گرفته، ولی بهیچوجه مخوف نیست و بهیچ نوع نقصانی بانحداد دولتین نخواهد نمود، روزنامهجات خیلی سخن چینی می نمایند بلکه ناپره نفاق را مشتمل سازند، مگر هرگز کامیاب نخواهند شد - جرائد امریکا شرح این نطق را با نهایت آب و تاب می نوشته اند -

(۲۳ شعبان - ۲ اکتوبر)
 § مخبر (روتر) از (هنکانگ) خبر میدهد که بنا بر معاذیر تجار بنای استاسیون (لنکن) را حکومت منظور نه نمود

§ داخله (عدن راقشون انگلیس تخلیه نمود -
 § وقایع نگار (طمس) از (توکیو) می نویسد که اغتشاشات (کوریا) منقضی شده - از باغیان (۷۰۰) مقتول و دو سه هزار مجروح و دو دسته ژاپونی که مشغول جنگ بود از آنها (۱۵) مقتول و (۴۰) زخمی شده اند

§ تلگرافی از (انوا) رسیده که دولت متحده امریکا در عرض ادای تاوان خساره ژاپونیان که (۶۰۰۰۰) (دولر) بوده تسلیم نمودن (وانکوبار) قبول نمود - (۲۴ شعبان - ۳ اکتوبر)

§ مستر (روزبوت) رئیس جمهوری امریکا در ان لوئیس (بجهت تعمیر يك فروند جهاز جنگی که بزرگتر از همه جهازات موجوده عالم باشد رفته، و اظهار داشته که بیشتر از قوای بحری را باید متصل هم نگاه داشته شود، در بحر (سفیك) جهت مشق جنگی و عبور و مرور امیران و قشون نظمی داده شده است

§ مستر (روزبوت) اظهار داشته که تمامی ادارات راه آهن مملکت باید تحت اقتدار حکومت باشد رود خانههای (مسی سی بی) توسعه داده شود هر چند که قبل از این پیشین گونی نموده بودم که در حصول امری که سعی هستم انجام یافتم آن بسیار مشکل است ولی امیدوارم که کامیاب شوم

§ امپراطور و امپراتریس آلمان بعد از دراعت از سیاحت انگلستان با ملکه (ویلیامینا) ملاقات خواهند نمود

§ تلگرافی از (جوهااسبرگ) رسیده که کمتر از (۲۰۰) نفر منجمه (۱۳۰۰۰) آسیانیان مدیم (تراسوال) را نامزد در دسته نوبچیان نموده اند
 مستر (جرجیل) وارد (مالتا) شد

§ (لارد براتین) سخت علیل است
 § (مسترتف) در دعوت مخصوص امپراطور ژاپون را وداع نمود

§ (سر ادورد گری) وزیر خارجه انگلستان در جواب سؤال یکی از اعضای شوری اظهار داشته که در خصوص خسارات دولت انگلیس در مناقشه (کاسابلنکا) غور و تأمل کامل خواهد نمود

اعلان

تاریخ سرجان ملک مصور که نقشه ایران را هم داراست بطبع اعلی، کاغذ و خط خوب، در نبر ۱۶ و کتوریا رود - کریسن لین، مازگام، بمبئی - نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی، و در اداره جبل المتین کلکتہ قیمت دوازده روپہ بفروش میرسد، اجرت پست بر ذمه خریدار است بهر يك از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند، نقشه ایران نیز علیحده قیمت دوروپہ بفروش میرسد

ایضاً

یومیة جبل المتین در شش صفحه بامسک و مشرب پانزده ساله خود در طهران اشاعت می شود، هرکس در هندوستان طالب باشد در کلکتہ با اداره جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه به (طهران - خیابان لاله زار - اداره یومیة جبل المتین رجوع نماید. قیمت سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه عموماً سی فرانک است

اعلان

کتاب اسرار السعاده یادگار وطن از تألیفات جناب حاج سیاح الملك که گنجینه را در این اوراق گنجانیده اطلاعاتش بر نکات دقیقه و اخبار جدیدہ آشکار است این اوقات در قاهره مصر بطبع میرسد، هرکس طالب اشتراک آن باشد در مصر که جدید محل امین هندیه ببیداقه افندی رجوع نماید، قیمت اشتراک در اول یعنی قبل از انمام پست و بجزرایف و پس از انمام جلدی يك لیره انگلیسی است مستعدی آنکه ادرس با اسم و لقب و شغل و تجارت خود را روشن مرقوم دارند که در القاب و کتب آقایان خلاف ادبی واقع نشود

§ (مولی حفید) بهراهی یکصد سوار فد (مزاغان) وارد، حاکم آنجا را دستگیر کرده در داخله (مراکو) فرستاده و در عوض وی مأموری از جانب خود منصوب نموده،

دو نفر نماینده از جانب (مولی حفید) که بزم ملاقات با پادشاه آلمان رفته بودند در (جیل طارق) رسیده اند

§ در جنوب شرق (فرانسه) تاکنون باران می بارد و درخبارات و مراسلات دقت زیاد پیش می آید (مسیو قایر) در پاریس مراجعت نموده (۲۵ شعبان - ۴ اکتوبر)

§ تلگرافی از (برلن) رسیده که از روز نامه (تاگلات) نقل شده که امتحان جهاز جنگی درجه اول آلمان شده، جهاز مذکور (۷۰۰) میل راه را در حال طفیانی دریای طی نموده بدون اینکه جلوی سکوت کند

§ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که وزراء و جنرالان و امیرالبحران و وزیر مختار دولت روس در مجلسیکه از اعیان و اشراف روس و ژاپون منعقد شده بود سمت اشتراک داشتند، به (مسیو شیوساجا) تبریک داده شد، بجهت اینکه معزی الیه بانی شالوده صلح شده است، در ضمن نطق خود (مسیو باخنیف) وزیر مختار روس اظهار نمود که در اقصای شرق اکنون اساس مصالحت مستحکم گشته است

§ يك جهاز بادی موسوم به (الدرشوت) بین يك ساعت ۲۰ میل طی مسافت نموده با وجودیکه هوا اینقدر هائسند نبوده است

§ وقایع نگار (طمس) از مصر می نویسد که امرای وادی (حیف) در تدارک فراهم نمودن بجهت زار مردان جنگی اندکه تا حمله بر اولاد (سلیمان عربی) نمایند § مراسله از (سرهنری مکلین) در (تانیخیر) رسیده ظاهر میدارد که اکنون با او بدارا و حسن سلوک رفتار می شود، ولی ایام رهائی وی هنوز غیر معین است

§ سفير انگلیسی مقیم پترسبرگ را در صلته خدمتیکه در انجام معاهده روس و انگلیس نموده نشان (گراند کراس اف دی آردر آف دی باه) مرحمت شده است

● جبل المتین کلکتہ ●
 میپیکل کالج استریت نمبر ۴

Hablul Matin Office,
 4, Medical College St.,
 CALCUTTA.

● وکلادہ دار ابونجات مشترکین اند ●
 (بدل ابونہ اخبار پیشگی گرفته میشود)

● قیمت اشتراک ●
 سالانہ -- شش ماهہ

● نامہ مقدسہ ●

المتین

● سنہ ۱۳۱۱ ●

● کلیہ امور اداره با ●
 مدیر کل مؤید الاسلام است
 ہر دو شنبہ طبع ●
 و سہ شنبہ توزیع میشود
 ● ہر دو شنبہ ●
 ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ ہجری

۱۲ روپیہ -- ۷ روپیہ

● ایران و افغانستان ●

۲۰ قران -- ۲۵ قران

● عثمانی و مصر ●

۵ مجیدی -- ۳ مجیدی

● اروپا و چین ●

۳۰ فرانک -- ۱۶ فرانک

● روس و ترکستان ●

۱۰ منات -- ۶ منات

(مراسلاتک بدون امضای معروف اداره)
 (باشد درج نخواهد شد)

● مصادف با ●
 ۱۴ ستمبر ۱۹۰۷ میلادی

● در این جریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی بحث میشود ●
 (مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست)

● قرارنامہ دولتین روس و انگلیس ●

● درباره ایران ●

● ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله سفا ●
 (کلمہ بنیان مرسوم)

آنچه در دو شماره پیشین بیان نمودیم ظاهر گردید کہ دولتین روس و انگلیس مملکت ایران را بین خود تقسیم حقیقی نموده ، تا جائیکہ یک قطعہ مختصر از خاکبک وطن مقدس عزیز ما را فاصله الحیدین خود قرار داده ، شاهنشاهی یا امپراطوری ایران نام نہادہ اند ، ہر کس غیر از این با بظہاند ، یا جاہل و بی اطلاع بعضی است ، و یا میخواہد باز ملت و دوات غفلت رددہ ما را پیش از پیش بغفلت انداختہ ، تا این اندک فرصتی ہم کہ برای آنها باقی مانده برابگان از دست بدہند (بچہ دلیل ؟)

بدلیل عین عبارت و الفاظ قرار نامہ کہ دولتین لخط سرحدی براسمے خود مقرر نموده ، و در تعیین حدود طویش نقشہ معین ، شہر و قصبہ و راہ تعیین کردہ اند بدلیل اینکه - جمیع اخبارات معتبرہ روی زمین آواز باند تصدیق می نمایند کہ از روی این قرار نامہ

ایران بین دولتین تقسیم حقیقی شدہ است بدلیل اینکه - اخبارات انگلیسی و جمعی سیاسیون انگلیس حتی در روزنامہ طمس فریاد مہرندکہ ما در این مقاسمہ مغبون شدہ ایم ، اگر تقسیم حقیقی نبود غن جہ معنی دارد ؟ فریاد و فغان برای چیست ؟ بدلیل اینکه - بعضی از اخبارات منصف عالم حتی اخبارات انگلیسی تاسف و نیات غیر منصفانہ دولتین در این موضوع نموده می نویسند ، در چنین موقعی کہ ایرانیان مہرقتند بای در دائرہ زندگی جدید و عوالم نورانی تازہ نمدن نهند ، بدون آنکہ هیچگونہ حرکتی مخالف تمدن از آنها سر زند ، و بتوانند هیچگونہ ایراد بابتیکی بر آنها گرفت ، چنین معاہدہ بر سر آنها و ایگونہ تشہات واقعی از مملکت آنان انصاف را شہید کردن است ؟

بدلیل اینکه ، تا امروز معاہدات دول قویہ برسر یک ساطت ضعیف یا تجارتی بودہ بابتیکی (ولوائیکہ معناً نتیجہ ہر دو یکی بودہ است) و این معاہدہ باقرار دولتین و اظهاریکہ در عبارات قرارنامہ دادہ شدہ و تصدیق جمیع سیاسیون تجارتی نیست ، از این است کہ حرابہ آلمان می نویسند کہ این معاہدہ خللی در تجارت آلمان در ایران نخواہد انداخت ، و آلمان را نیز در ایران

جز غرض تجارت منظوری نبوده و نیست و از روی این معاهده هیچ تغییر و تبدیلی نیز در معاملات تجاری ایران برای خارجه حق برای روس و انگلیس ظاهر شده است.

در صورتیکه این معاهده تجاری نباشد تسلیم خواهد شد پاتیک بودن آن، درین صورت باید منتظر اثرات پاتیکی این قرار نامه که بر سر ایران نموده اند باشیم.

علاوه بر این آزادی تجارت دلیل عدم تصرف در معاملات پاتیکی نیست، تجارت مصر، مراکو، کوریا، چین، حق تجارت دول سه در هند و غیره هم آزاد است، چنانچه امروز تجارت آلمان را نمیتوان در هند از اسکلیسان کمتر دانست، تجارت در همه دنیا آزاد است، آزادی تجارت را در ایران که دولین روس و انگلیس درین قرار نامه تسلیم نموده اند، ابدأ دلیل تصدیق آنها بر استقلال سلطنت و آزادی مملکت نمیتوان قرار داد بدلیل اینکه، اگر دولین روس و انگلیس را سوء قصدی درباره ایران منظور نبود، و تقسیم واتی ایران را اراده نداشتند، و فقط برای اطمینان سرحدی خودشان بود، سرحد خود را در منصرفات خویش همانجاییکه هست معین میکردند، نه اینکه یکی یک ثلث ایران را در سرحد خویش شامل دانسته، دیگری دو ثلث آن را در مضافات سرحدی خود قرار داده و یک قطعه کوچک را آزاد و فاصله الحدین جلوه دهند.

بدلیل اینکه اگر دولین روس و انگلیس چنانچه هفتاد سال است شهرت داده که جلوگیری از حمله یکدیگر می نمایند راست میگفتند تمام ایران را چنانچه هست آزاد تصدیق نموده فاصله الحدین خود تسلیم می نمودند، بدلیل اینکه اگر انگلیسان راست میگفتند که غرض اصلیشان از این معاهده استحکامات سرحدی هند از حمله روس است، چرا در خطه خراسان و سیستان که راه عبور لشکر روس منحصر بدان است در این مقاصد سرحد خودشان را متصل قرار دادند، ظاهر است که دولت روس جهاز جنگی از داخله ایران نمیتواند بخلیج فارس برساند و حمله بپند کند، حمله روس بر هند با اتفاق جمیع مهندسین جنگی منحصر بخشکی و راه آنها یا از افغانستان به پشاور و راولپندی است، و یا از سرحد خراسان و سیستان بکویت و

سایر بلوچستان میباشد، و از روی این مقاصد سرحد روس و انگلیس از طریق خراسان و سیستان بدون خوف و هراس متصل به یکدیگر شده است.

این قرار نامه تکذیب می نماید دعاوی هفتاد ساله روس و انگلیس را در پیش قدمی به ممالک وسط آسیا که یکی باسم حمله بر هند، و دیگر به بهانه جلوگیری از خصم و استحکامات سرحدی هندوستان مشغول پیش قدمی بوده اند، چه این قرار نامه ظاهر نمود که روس به بهانه هند در صدد تسخیر ممالک بین بوده، و انگلیس هم به بهانه جلوگیری آن پیشقدمی در ممالک اجانب می نمود، و ابدأ خوفی از هم نداشتند تا جائیکه سرحد خود را بدون خوف و هراس بخمال خویش می از روی این مقاصد متصل به یکدیگر قرار دادند (چرا چنین کردند؟)

بواسطه حرص و طمعیکه به توسعه ممالک خویش دارند

بواسطه میل و رغبتی که به ازدیاد شوکت و عظمت سلطنت خود دارند

بواسطه حباب منافع مایه این خاک زر خیز

بواسطه دلیل کردن احزاب، ورقاب اجلاء شاهزادگان آسیا یعنی ایرانیان را زیر کند اطاعت خود آرند

بواسطه اینکه مارا مزدور خود ساخته مانند سایر ممالک مفتوحه خویش آنچه پیدا کنیم از دستمان بگیرند

بواسطه اینکه ایرانیان مانند ژاپون خود نمایی در آسیا نتوانند نمود

بواسطه اینکه در مملکت آسیا رقیب دیگری برای آنها پیدا شود

بواسطه آنکه انگلیس و روس از ترقیات آتی ایران در هراس شده، هیچ خوفی از یکدیگر نداشتند، سابق بر این ممکن بود مردم غفلت زده ایران تکلیف نفهمی نمایند، ولی امروز نمیتوان گفت باین ملت تازه بیدار شده که نفهم، کورباش، کرباش، دست بسته باش، یا شکسته باش، باظهار بجهتای زبانی و به همراهی های ظاهری سطحی ما قانع، و آنچه ما میگویم حل بر محت کنید.

امروز ایرانیان غیر بر بمقاصد جمیع همایگان خود برده، و میدانند هر یک از آنها در حق ایشان چه

قصد و اراده دارد، و نیز میدانند که من بعد سکوت ایشان درین گونه مواقع عموماً ابدی آنها را دعوت خواهد نمود. ملتفت اند که تن پروریشان ازین و بعد بعبودیت و رقبت دائمه آنها را دعوت خواهد کرد. دانسته اند که اگر پیش ازین تکالیف همسایگان خود را قبول نمایند، و در خانه خود رسوخ و نفوذ آنان را زیاد نکنند دبری نگذرد که صاحب خانه شده، ایشان را بخدمت خانه شاگردی و ادار خواهد نمود، چنانچه اگر بغور ملاحظه شود اکنون هم در باره از مواد ما را مزدور و حال خود کرده اند.

ایرانیان باید بدانند که سکوت آنها درین موقع دلب لایقتر است، و در آنیه پشیمانی آنها را هیچ سود نمبخشد، و مصداق (الآن قد نمت و ما ینفع النعم) واقع خواهند گردید.

خوب حالا که این طشت از هام افتاد، و سرپوش ازین راز همسایگان مهربان سرنا تمدن برداشته شد، ایرانیان را چه قدر مهلت باقی است؟

به تصدیق جمیع سباسبون از روی قطع و یقین از آغاز تا انجام طی درجات که همسایگان در اصول این قرارنامه مد نظر گرفته، که یکی را بعد دیگری در ایران اجرا دارند، از بیست سال تجاوز نخواهد کرد، یعنی از ابتدائیکه شروع نمایند باز دیاد رسوخ و نفوذ و تصرفات غیر مشروع خود، تا وقتی که دفتر امپراطوری ایران را (که خدای مهلت شان نهد) در هم بچیده حیات پلتنیکی این سلطنت شش هزار ساله را خاتمه دهند، بیست سال افزون نخواهد گردید.

ولی این نکته را باید دانست که بیست سال معروضه عبارت از مهلت ایرانیان نیست، که باز هم این فرصت مختصر را اسباب تن پروری، و راحت طلبی خود قرار داده، بمیاشی و غنات بگذرانند، بلکه طول مدت تدارک آنهاست، این مهلت را هم که عرض کردیم نصفش بر حسب اقتضای طبیعی یا خوش بختی ایران است که هر دو همسایه در داخله خود تا درجه گرفتارند، و این گرفتاریشان کان نمیرود باین زودی خانه پذیرد، و اگر اقدامات غیر منصفانه آنی درباره ایران نمایند بمید نیست فعلاً گرفتاری داخلی آنها پیش شود، و رطابی اسلامیشان پیش از پیش از آنها

متنفر شوند ورنه بپناه حیات پلتنیکی ایران قسمی برنده که يك روز بلکه يك آن برای آنها زمان فرصت و دهنک باقی نمانده.

ایرانیان اگر در مدت پنج سال خود را بمقامی رسانند که از موضوع رقابت همسایگان خویشترن را خارج کنند حفظ استقلال شان ممکن است، و اگر در اقدامات وطن پرستانه سعی نمایند و ساعتی را به تسامح گذرانند، تیر از شصت رها شده از آن بعد اگر جمیع سیاسیون عالم گرد آمده بخواهند استقلال آنها را نگاهمداری نمایند نتوانند.

روح آزادی يك ملت در قالب مملکت استقلال است همینکه استقلال آنها زائل گردید حکمای عالم و سباسبون دنیا جمع شده آن روح را دوباره در آن حسد نتوانند آورد، آن امر دیگر است که پس از قرون متوالیه رقبت و فشار اجانب شیرازه قومیت آنها از نوزده شده و استقلالی در آن مات دو مرتبه پیدا گردد، هیچ جای شبهه نیست که اگر ایرانیان بدون دقیقه فوت وقت در حفظ استقلال خود نکوشند، در کمال سرعت با نهایت مذلت استقلال خود را از دست داده، هیچ اقدامی در آینده بحال آنها مفید واقع نخواهد شد.

اقدامیکه باید ایرانیان فوراً در رفع اثر این جادوی دولتین به نمایند دارای چهار اصل اصیل و فروعات چلد است که بآنها اشاره می شود.

(۱) توافق جمیع ارباب سیاست آنچه مات و دولت ایران را بدین روز سیاه نشانده و موضوع رقابت همسایگان شان ساخته، همانا نداشتن مواج داخلی از جمله اجانب یعنی قوه دفاعیه است.

هر دولت که توجه در اداره لشکری خود ننموده، و در جلو حمله غنم خارجی مواج داخلی برای خویش مهیا نکرده عاقبتش مثل امروزه ما شده است.

تمدن و وحشت بهانه، و عدم انتظام مملکت و نبودن قابلیت در تعمیرات ملکی دستاویز دول همجوار قویه است، به تصدیق جمیع جرائد اروپا وحشی ترین و ظالم ترین دول و ملل روی زمین ملت و دولت روس، و بی انتظام ترین مملکت عالم روسیه است که در حال امنیت روزی نیست که جوی مقتول و مجروح نشوند و قطاطان

طریق خزانه دولت و بست و تلگراف و بنک و غیره را ترند. اهالی آن مملکت ابتدا اطمینان مالی و جانی ندارند. تجارت در روسیه آزاد نیست. ظلم و وحشت از قوانین او می بارد. باندازه متعصب در مذهب میباشد که حدی بر آن متصور نیست. سلوک روسیان با ارامنه و یهود بهترین دایلماست. مع ذلک دست تصرف بمالک دیگران دواز کرده. باسم اینکه میخواهد ترویج تمدن دهد.

چرا؟ مانع داخلی برای حمله خارجی دارد. زور دارد. و زور می گیرد. تا وقتی که مانند زاپون زور شکنی برای او پیدا شده ناچار سپر اندازد

افغانستان چون بقدر خود قوه دفاعیه دارد. انگلیسها در فصول راجعه آن با روس در این قرار نامه و حال آنکه استقلال او تسلیم شده. شرط می کنند که فصل راجعه با افغانستان در صورتی محضا خواهد بود که امیر ترضیه خواطر خود را بر آن ظاهر دارد.

ولی چون در ما قوای دفاعیه ملاحظه نکردند صاف صاف مملکت مان را تقسیم نموده. ابتدا اعتنا هم نکردند که اینها صاحب این خانه اند؟ یا نه. فقط برای اطلاع که خانه شمارا بین خود تقسیم نموده ایم صورت تقسیم نامه را بدربار دولت فرستادند

باید دانست که لازم نیست ما قوای دفاعیه خودمان را بجزا و برا همزمان روس و انگلیس آورده آنوقت خوبش را محفوظ تصور کنیم. بارها در این موضوع بحث کرده مقاله ها نوشته و مدلل نموده ایم که قوای هر مملکت باید باندازه قدر و قیمت آن مالک باشد. چه تمام دول در حمله جابرانه خود به مالک دیگر صرف نظر از اصول اقتصاد نمیتوانند نمود.

عاجلاً ابراهیم صد هزار قشون تحت السلاح لازم دارد که پنج اردو از آن در پنج نقطه سرحد برای محافظه مملکت از روی فن تشکیل شود. و این مقدار قشونی است که دولت هماره مواجب و جیره و عایق میدهد. نهایت این است که باید تحت انتظام صحیح آورد. و نقائص او را فوراً دفع نمود. و از روی صحت و قواعد جدید تشکیل اردو داد.

برای انتظام لشکریان موجوده بهتر از اصول انتظامات اشکری (سویز) به نظر نمی رسد. که هم

کم خرج است و هم بهترین نظام دنیا امروزه بشمار میرود. وغالب دول مثل انگلیس و غیره پیروی از اصول نظامی سویز می نمایند. اگر مستخدمین چند از دولت کوچک (سویز) اختیار نمایم در قلیل زمان قشون موجوده ایران تحت انتظام تواند آمد. و مضار بانیکیشان هم برای ایران نسبت بدیگران کمتر است

این انتظام ابدأ بر مصارف دولت نمی افزاید. علاوه بر این نیز صد هزار قشون دیگر برای تبدیل و ایام رخصت این اردو های پنجگانه لازم است. که آن هم بموجب دفتر دولت و سالنامه دولتی موجود است. فقط انتظام صحیح لازم دارد. که در هر آن دولت را لازم شود بتواند آنها را حاضر نماید. انتظام این دو بیست هزار قشون که بر حسب دفتر دولتی و سال نامه دولت موجود است مصارف فوق العاده برای ما بار نخواهد آورد. فقط انتظامات لازمه با اصول جدید میخواهد که تا کنون نداشته ایم. فعلاً این دو بیست هزار قشون که اسماً موجود داریم و مصارفشرا دولت همساله متحمل میشود اگر تحت انتظام صحیح آوریم و رسمیت پیدا کند برای نگهداری امنیت داخلی و محافظه سرحدی در ایام صلح و دفاع ابتدائی از غنیم خارجی در وقت جنگ کافی تصور می شود

علاوه بر این بدون دقیقه فوت وقت باید شروع کرد باصول و وضع جدید (سویز) یا آلمان در ترتیب قشون ملی. این ترتیب بوضع امروزه باید از روی نقشه وزارت جنگ در جمیع بلاد و قصبات و ایلات و دهات بگری شود. و قانوناً باید جمیع طبقات مات از شاهزاده و گدازاده عالم زاده و تاجر زاده بدون استثناء در قشون ملی شرکت داشته باشند. این اصول هم فعلاً جزء مصارف قلیل منظمین و افسران مشاق و دفتر داران این اداره چیزی بر مصارف دولت نمی افزاید. و بدین جهت دولت هم استنکاف از این امر اهم نخواهد نمود.

امروز بر جمیع مات ایرانیه شرعاً و عقلاً متحمس است که این قلیل مصارف را مخصوصاً بر ذمه خود قرار داده راه عذر را بر مخالفین ببندند. یعنی يك گونه عوارضی را ملت باید بر خود قبول کند که فقط صرف این راه شود. چه این اصول مایه استقلال ابدی قومی و آزادی سرمدی ملی است. و برای استحکام استقلال ملت هیچ

راهی دیگر جز این متصور نیست، و آنچه نخبین ماست من جمیع الوحوه سالانه کم از يك کروور تومان مصارف دارد باید داشت که این عمل از روی صحت و درستی يك اصول و يك و تیره در تمام ایران باید جاری گردد و این نمی شود مگر اینکه فوائد او را مجلس شوری مرتب داشته بذریعه وزارت جنگ جبری گردد، هرگاه از روی صحت درین امر اقدام شود بدون شك و ریب در هر سه پنجاه سال ایران دارای يك میلیون قشون حرار که مقابله با او مایون لشکر دیگران نماید مهیا شوند نمود، آنوقت هیچ دولت طمع تصرف در خاک و خیال دست اندازی در حقوق ما را به خاطر هم خطور نخواهد داد، در آن حال اگر جمیع دول برخلاف ایرانیان متحده شده عهد و پیمان نمایند مونی از سرشان کم نتوانند نمود البته چیزی که ملت و دولت ایران را لازم است در هر سه این پنج سال تدارك سلاح و قورخانه و توب و ننگ و فشنگ برای قشون ملی از خارج و داخل نمودن و در ذخیره خانه های خود آراسته داشتن است، و از همان مد مصارفی که برای این امر معین شود در مقابل زمان تدارك جمیع این مهام میتواند شد، در هر سه بیست سال اگر ایران مشق اجباری را پیروی کند دارای دو میلیون قشون از سواره و پیاده خواهد گردید، آنوقت در قطار اول درجه دول من حیث القوت بشمار خواهد آمد چون فعلاً ما این تدارك را برای دفع لازم داریم نه جهاد ابدی مشکل نیست که در مدت پنج سال از خارج و داخل لوازم دفاعیه خودمان را برای يك میلیون قشون ملی مهیا نمایم.

امروز بقای استقلال ایران منحصر در این اقدام است و بس، و جز این متشبت بهر امر شویم ما را ازین مهاکه نجات نتواند داد، و هر کس جز این راهی با به نماید خیانت ملت و دولت کرده است

لذا نذ پناه بردن بر قبا را جشیدیم، معنی دوستی همسایگان را فهمیدیم، نمره مرعوبیت از اجاب را هم دیدیم، اثر همراهی های زبانی دوستان اروپائی خود را هم ملاحظه کردیم که هیچ قائده بحال ما نه بخشید، البته دولت حالا ملتت شده که (کس بخارد پشت او جز ناخن انگشت او) و فهمید که باید ملت و دولت به همراهی یکدیگر این مملکت را از جنگ طماعین اروپا محفوظ دارند و چاره شان منحصر در این است

بالجمله - این اول بله است که ما از سلم ترقی باید طی نمایم، و همین درجه اقدامات اولیه ما را امنیت از خارجه میتواند بخشید، آن وقت با کمال اطمینان میتوانیم در جمیع مواد ترقی و اصلاحات ملکی و ترقیبات ملی با قوت قلب اقدام نمایم، هیچ ملت و دولت تا

اطمینان از حمله غنیم خارجی پیدا نکرده نتوانسته در جاده ترقی قدم نهاد

امروز امر ایران از آن گذشته که ما بخواهیم نکته از نکات طبیعی و تجارتي و صنعتی او را مستور داریم، امروز به بانک بلند (میگویم و می آیمش از عهده برون) که اگر چیزی ایران را ازین مقاسمه نجات نتواند داد همانا اقدامات فوری شورا است در ترتیب قشون ملی دولت، ملت، مجلس، علماء، اگر استقلال این سلطنت اسلامی را خواستگارانند مالا و جانا باید حاضر شده بدون دقیقه فوت وقت در انتظام و ترتیب قشون ملی اقدام نمایند

اگر ما دارای صد پارلمان شویم و قوه دفاعیه از حمله غنیم خارجی نداشته باشیم از تهدیدات سفیر روس و تجاوزات چند فوج گرسنه عثمانی فراتح حاصل نموده روز بروز ذلیل و زبون و خوارتر خواهیم گردید، تا رفته رفته قنای در غالب کردیم

بایرانیم، و گند انجمن صلح لاهی هرگز ما را از جنگ اعادی نجات نخواهد داد، ازین انجمن هم اگر قائده حاصل شود، همان اقویا حاصل خواهند کرد، ضمناً بعد از انعقاد کافر نس اول صلح لاهی جنگ ژاپون پیش آمد، و در بین کافر نس دوم صلح مؤسین آن ایران را تقسیم کردند، شك نیست که باید در صلح عمومی شرکت نمود ولی قوای دفاعیه خود را هم باید درست کرد، چنانچه همه دول هوشمند روی زمین را مسلکی جز این نیست، و این است معنی بستن زانوی شتر با توکل امروز حفظ ایران بر فرد فرد ایرانیان از روی شرع و عقل و سیاست و تدبیر فرض است، و محافظه انجناك ياك جز به انتظام قشون ملی و مشق اجباری افراد ملت صورت نه بندد.

من باواز بلند میگویم که از ابتدای عالم حق مطلوب قوت بوده، و ما باید در حق خود قوت حاصل کنیم تا مغلوب هر ناحقی نشویم، حقیقت ما از بیغیر خدا صلوات الله و سلامه علیه بالاتر نیست که برای دفع خصم تدارك قوت میفرمود

ایرانیان را بعد ازین قرار نامه روس و انگلیس يك ساعت فرصت درنگ درین مشروع مقدس باقی نمانده، و يك آن تانی در تشکیل قشون ملی يك سال ما را عقب می اندازد، جمیع افراد ملت و انجمنهای ملیه يك زبان باید از مجلس شوری حواش انتظام قشون ملی نمایند، و هیچ عذری را از ایشان نه پذیرند، چه مانند آفتاب روشن است که تأمل آنها ملك و ملت دین و آبنشان را در خطر می اندازد، اسلام را ضعیف و مسلمانان را مضحله می نماید آزادی شش هزار ساله ایران را دارد

وداع میگوید ، بدون تأمل باید ایرانیان شروع بکار
نموده ترتیب مقدمات فشنون ملی را فوراً داده و این
مهمه دولتی را بر ایران دم شیردانسته بیازی نگیرند
بزرگترین خطای مجلسیان این است که تا کنون این
ماده الحیوة ملت را موضوع بحث مجلس قرار نداده
اقدامات لازمه را درین موضوع نموده اند ، و حال
آنکه اول باید اصلاح فشنون ملی نموده فکر قوت برای
دوات نمایند و سپس افکار دیگر را ظاهر دارند
مسلم است در هر بلد چند نفر مشاق ایرانی موجود
است که با کمال میل و رغبت و افتخار به مشق مات
خود سعی و اقدام نمایند ، و این امر باید از طبقات
عالی ابتدا شود ، تا بدین استثناء جمیع افراد ملت
شرکت نمایند ، باید ابتدا علمای اعلام هر بلد و تجار و
عمال ممالک بدون درنگ درین مشروع مقدس اقدام
نموده تا احدی را موقع نبرد از آن نباشد ، و هر کس
درین مشروع مقدس مرهی نه نماید خن وطن و دشمن
سلام باید بشمار آید

امروز وقت آن نیست که ملت بلیت و لعل مجلس
و کلا و حکام خود در اقدام بدین مشروع مهم صبر
نمایند ، فقط خواب آمد از وقت صحیح یا سقیم اعضای
شوری که بدولتین روس و انگلیس در خصوص
این قرارنامه داده قناعت کنند ، معلوم است که این
جوبات و پروسها در صورتی اثر تواند بخشید که
بلا درنگ ملت و دوات جلوگیری فعلی هم از اقدامات
دولتین نمایند ، و آن جلوگیری عملی منحصر
است بر اینکه مانع داخلی در جلو حملات بلتیک
آنها پیدا شود ، و مانع داخلی هم منحصر به
(نشل آرمی) یعنی فشنون ملی است و بس

ر آروریکه دولتین این معاهده را بیکدیگر رد
و بدل نماید بالقصع و البیقین اقدامات بلتیک در پیشرفت
مقاصد خود خواهد نمود ، چنانچه لهجه اخبارات انگلیسی
از حالا درباره ایران تبدیل یافته ، لذا ما راست که از
همین امروز نذارک و تهیه اطل السحر آنها را نموده اسباب
شکستن این طلسم بلتیک را فراهم نمایم ، و در عالم ملت
نجیب غیور خودمان را بطلم شکن نام بردار سازیم ،
بصاحب شریعت مطهره سوگند یاد می نمایم که هرگاه
آنی درین اقدام نماند نمایم ، مراحل شقی درین میدان
عقب خواهیم افتاد ، و استقلال شش هزار ساله خودمان
را برایگان از دست خواهیم داد ، حریفان ما خیلی
بازیگرند اگر اندک خفیات نموده و یک قدم بخطاب
بر داریم تا اقدامات خواهیم ماند

(باز دیوانه شدم و نجیر گو)

ای آیة الله ، ای حجاج اسلامی ، ای نوایان

امام ، ای پدشویان فرقه نجیه ، ای آقای حاجی میرزا
حسین حاجی میرزا خلیل ، ای آقای آخوند ملا محمد
کاظم خراسانی ، ای آقای آقا شیخ عبدالله مازندرانی
شاه موالیان میدانید حبل المتین علم دار اتحاد اسلام و
منادی ترقیات اسلامیان است ، پس از یازده سال
خدمت با اسلامیان محض اهمیت مقام و این ثمنه عظیمی
که باسلام رسیده با منتهای جسارت آن هادیان طریق
رشاد و منتدیان ملت بیضا را باسم و رسم یاد نموده ،
باکمال و توفی که از آن بزرگواران نسبت بخود سراق
دارد عرض میکنم ، که شهادت بانی عدالت و مؤسس
مشروطیت ایران ، شهادت مقوم ارکان اسلام و مشید
اعصاب اسلامیان ، محافظه اسلام منوط بتوجه آن
بزرگواران است ، امروز اسلامیان بحالتی دوچار
گردیده اند که اگر آن بزرگواران اندک در اصلاح و
نجاتشان تسامح فرمائید بحال است عزت و استقلال
موجوده باقی ماند ، می بینم که ذره تعامل مسلمانان را
مانند بود خوار و ذلیل و بی صاحب و سرپرست و
بی دولت و استقلال خواهد گذارد ،

من با کسانیکه شما بزرگوارانرا از عوالم بلتیک
بی بهره می دانند متفق العقیده نیستم ، من هر یک از
آن بزرگواران را بیکه ماز میدان سیاست و واقف
بواقف زمان می شناسم ، هرگاه چنین نبود درین
موقع نازک اینقدر مجاهده درباره تاسیس شورای اسلامی
می فرمودید ، و تا این درجه پای در استحکام و بقای آن
بنای مقدس نمی فشردید

لذا ما کمال ادب عرض می کنم که ای موالیان عظام
اندک توجهی در تقسیمات ایران بین دولتین روس و
انگلیس فرموده ، علاجی فرمایند که زیاده بر این مورث
ضعف اسلام و اضمحلال مسلمین نگردد ، اندک
در پیش آمد این قرن اخیر و حالت اسلام و مسلمین
نظر فرموده تا بدانید که ملل و دول مسیحیه آنچه
یافته از مسلمانان یافته ، و آنچه برده از آنها برده اند ،
سلطنت تمام افریقیه خاصه اسلامیان بود تمام ر از دستشان
خارج کرده خود متصرف گردیدند ، از سلطنت اسلامی
نصف اروپا جز اسلامبول باقی نگذاشته اند ، دو
ثلث آسیا در قبضه مسلمانان بود اینک باقی نمانده جز
عشری از آن ، تا وقتی که مسلمانان کسالت و تبلی پشه
نکرده بر نصف نفوس این کره سلطنت داشتند ، امروز
سلطنت اسلام بقدری ضعیف شده که حکمرانیش
بر ملل اجاییه سهل است از سیصد میلیون نفوس
اسلامیه کمتر از پنجاه میلیون تحت سلطنت اسلامی باقی
نمانده ، و تمام تحت سلطنت نصاری در آمده اند ، و ازین
مقدار هم همه روزه کاسته می شود ، مسئله مراحتنکوه

مصر، سودان، ترکستان، ماورای بحر خزر، تونس و... و... و... و... چیزی است که تشریح لازم داشته باشد. ما تسلیم داریم که از بعد جنگ صلیب تا امروز ملت نصاری اسماً ترک مجاهدات مذهبی نموده اند. ولی بجای لفظ جهاد الفاظ خوش نهای دیگر اختیار نموده مانند تمدن، ترقی تجارت، صناعت، آبادی مملکت، حفظ حقوق رعایا و امثال آن، ولی نتیجه آن همان جنگ و جدال و توسعه مملکت است برای آنها و برای مسلمانان جز غفلت بار نیاورده.

تاریخ ترقی اروپا شاهد بر این مقال است که اروپائیان بهر اسم و رسم جنگ نموده غالب با مسلمانان بوده، و آنچه یافته نیز از مسلمانان یافته اند، تا جائیکه سلطنت اسلام را آنها بعد از قطع قطعات بسیار منحصراً ایران و عثمانی کرده اند. بازیهای بلندی که برای عثمانی در آورده و راهگشاییک برای اضمحلال و انهدام او ریخته اند چندان لازم بیان مایست. اینک برای خاتمه سلطنت اسلامی ایران این تقسیمات جدید را اختیار کرده اند ظاهر است که اگر ایرانیان بخود نیامده و اندک غفلت ورزند استقلال آنها را وداع خواهد گفت. سلطنت در اسلام خاتمه خواهد پذیرفت، معلوم است که در آنوقت حال مسلمانان چه خواهد شد، و اسلام را چه روزی پیش خواهد آمد.

ما میدانیم که از روی مذهب فرقه امامیه در غیبت امام احکام جهادیه را نمی توانست جاری دارند، و ما هم حرص و آرزو را مانند اروپائیان پیشه خود نداشته که بجواییم باسم تمدن و ترقی تجارت و غیره بر دیگران بتازیم، فقط محافظه خانه خود را لازم می دانیم. دفاع را از مملکت اسلامی خویش واجب می شماریم.

گویا امروز موقع آن رسیده باشد که شما موالیان مجلس مقدس شورای ملی را هدایت فرمائید که بحث در امور محتفاه غیر لازمه را ترک و اولین اقدام خود را در تدارک قشون ملی از روی قاعده صحیح برای دفع غنیم خارجی قرار دهند.

گویا وقت آن آمده باشد که شما بزرگواران ملت ایرانیه را امر فرمائید که بدون استثناء خودشان را زیر سلاح آورده، مشق نظامی بوضع جدید نموده خود را آماده برای دفاع از وطن خویش سازند.

امروز نجات ایران و ایرانیان از این تقسیم منحصراً است بر اینکه تمام نفوس ایرانیه غیرت و همت نموده خود را برای دفاع از وطن خویش آماده نمایند.

ایران اگر صد پارلمان داشته باشد و اگر صد هزار قوانین محکم و متین وضع کند، اگر دارای تمام اصول تمدن امریکا و اروپا شود، اگر تروت عالم را دارا شود

دفع غنیم خارجی قوای دفاعیه نداشته باشد لامحاله مضحک و ناپود خواهد گردید. این درسی است که از ابتدای عالم معلم طبیعت بجمیع اقوام و ملل داده است ای حجج اسلامیه خراسان و آذربایجان و اصفهان و طهران و سایر بلدان ایران، شما را بصاحب شریعت مطهره سوگند میدهم که قدری بفرار نامه دولتمین و ضعف امروزه ایران توجه فرمائید، اجرای این مشروع مقدس بدمه شما بزرگواران است، مسئله دفاع اجتماعی واحدی از علمای اسلام در او اختلاف ندارد و وظیفه شما بزرگواران است که مات را بمشق نظامی وادار نموده، شرطا و سیاستاً آنها را زیر سلاح برای دفاع از وطن خود بیاورید.

میدانید حکایت تقسیم ایران قصه حسین کرد نیست. این مسئله دخل بمسائل دیگر ندارد، نزدیک است آب از سر بگذرد بر شہاست که یک زبان جدا از مجلس بجوایید که ترک جمیع مشاغل و گفتگوهای دیگر را نموده قانون مشق اجباری را برای ملت مرتب کرده، بلا درنگ در ملک ایران اجرا دارید.

امروز برای تشویق مات و وظیفه شما بزرگواران است که مانند مقتدای خود امیرالمؤمنین علیه السلام مشق جنگ و دفاع از اسلام فرمائید، بحق امیرالمؤمنین علیه السلام قسم گر اندک درین مشروع مقدس تسامح ورزید سلطنت اسلامی ایران از میان خواهد رفت، آنوقت حال شما بزرگواران پیش از سایر ملت نگفتنی خواهد بود.

ای طلاب غیور ایران ای خادمان شریعت عراء همراهی و اقدامات جان فشانه شما آقایان درین مشروع مقدس یعنی قائم نمودن سلطنت عادل و شوروی اسلامی بر هیچکس پوشیده نیست، استحکام این بنای مقدس بسته به راهی شما حضرات است، بعدا قسم تا امروز آنچه در موضوع ترقی ایران اقدام شده بمنزله اساسی با بعضی رنگ و روغنهای ظاهری بوده است، نه امداء ملک و مات و دولت ما را از رقیب اجانب نجات نتواند داد، و استقلال شش هزار ساله ما را نگاه ندارد، این قرار نامه جدید روس و انگلیس شالوده این اساس مقدس را بروی آب گذارده، استحکام آن منحصراً است بتهیه قوای دفاعیه، و قوای دفاعیه حاصل نشود مگر اینکه تمام افراد ملت مشق نظامی آموخته در حین دفاع از خارجه خویش را زیر سلاح آرند، چه قدر شایسته است که این سرمشق را هم شما بزرگواران به ملت دهید، چه قدر بر عظمت و بزرگی مقام شما خواهد افزود، که طاسم این قرار نامه تقسیم ایران را شما بشکنید. شما راست که حجج اسلامیه و علمای هر بلد را وادارند که جدا از محاربه خواسته خود اقدامات نمایند.

ملی نمایند، و خود تان پیشا پیش مات مشغول بمشغول نظام شوید و تنگ بدوش گرفته از وسط بازار پای کوپان گذشته نایب این عمل از میان ملت مرتفع گردد (۲) چیزیکه مورد نجات مات ایرانیه ازین خطر عظیم تواند شد همانا انجمنهای رسمی ایالتی و ولایتی و سایر مجالس و مجامع ملیه است، این انجمنها در ایران اثر (باتکلی اسیوسوسون) تواند بخشید، مشروطه بر اینکه ملت ایرانیه قدر انجمنهای خود را دانسته غرض اصلی از اینگونه مجالس را بدانند، هرکس تاریخ ترقیات اروپا را خوانده میداند که اینگونه انجمنها برای استحکام استقلال يك مات تاثیرش اندازه است که از چیز تحریر بیرون است انجمنهای ایالتی و ولایتی باید خود را موظف بچهار وظیفه بدانند

اول - روابط اتحادیه دولت و ملت بهر قسم پیشرفت نماید تا مانند زنجیر تمام افراد ایرانی را بهم پیوسته سازد دوم - آگاه نمودن آحاد و افراد ملت بمحقوق و طایفه اعم از تجاری و سیاسی و صنعتی

سوم - نگرانی حقوق ملت و نظارت ادارات مجریه که مخالف با قوانین موضوعه حرکت نه نمایند

چهارم اقدام در تعمیرات ملکی و مذافع عمومی و اصلاحات لازمه و تعالیم نوعیه و غیره و غیره

چون این انجمنها دارای يك بروگرام، و همه از يك سرچشمه آب بر میدارند، و تمام شاخهای مجلس شوری در هر شهر و فصبه می باشند، و چون مقصد تمام یکی است گویا جمع مات را بيك قطعه مقصود سوق می دهند

برای قوت اتحاد يك مات بفقیده جمیع سیاسيون بالا تر از این گونه انجمنها متصور نیست مشروط بر اینکه مجالس مقدس و کلای با سیاست داشته باشد، و از روی هوای نفس و اغراض شخصی قوای این انجمنها را مضحک نمایند، مانند انجمنهای گیلان و غیره، و نیز متخیزین انجمنها باید بدانند که غرض از انعقاد این انجمنها چیست؟ اوقات خود را ضایع نه نمایند، و این نعمت غیر مترقبه را بر ایگان از دست ندهند، از برکت این انجمنها در آن واحد شورای مرکزی میتواند آواره جهل

کرور ایرانیانرا بهم متصل کرده در این گنبد مینو ولوله اندازد، هیچ لازم به تشریح ندارد که این روابط اتحادیه ملی در عوالم سیاست و پلٹیک چه قدر دارای اهمیت است و تا چه اندازه همت غیب خارجی را در باطن ملک و

ملت بست می نماید، جنگ با دولت آسار است، ولی جمع سیاسيون جنگ با مات را بحال عقل تصور می نمایند، مشروط بر اینکه مات از روی دانش و صبر اقدام نماید، و نتیجه که در اینگونه انجمنهاست حاصل کند

امروز باید جمیع این انجمنها بصدای واحد قوت و

ظاهر دارند، نباید تصور شود که کار از کار گذشته هر قدر ملت بشور و خروش آمده فرت خویش را ازین قرار نامه ظاهر دارد کار روانی های عملی دولتین در موضوع این قرار نامه بطول خواهد انجامید، و هر قدر ساکت و صامت درین موضوع اهم شد جرئت و جسارت دولتین در اقدام به عملیات سرعت خواهد نمود، تعجب دارم از ملتی که این گونه اسباب برای او جمع باشد و اندا نتواند فایده از آن بر گیرد و در چنین موضوعی اهم که بر همزن استقلال آنهاست مانند بره که به سلاح خانه می برند سکوت نموده آرام باشد

مجلس باید دراز دیاد اینگونه انجمنها و رفع نواقص آن پیش از پیش مساعی حبیله بکار برد، و مانعین انعقاد انجمنها را در ملک جنوبی که دست قتل همسایه اند طرد و تبعید نماید، خصوصاً بعضی مفسدین و مفتین بوشهر

و سایر ممالک جنوبی که مستوجبند آنها را دهنه نوب گذارند، (اداره حبس الملین تا آنها اطلاع میدهد که اگر دست از نفاق برندارند با هم و رسم آن هارا نشان داده تا مات و دولت تکلیف خود را بدانند) حکام بعضی مقامات نیز مانع از انعقاد انجمنهای محلی می باشند باید آنها را از جمیع شئون خارج نمود که بواسطه اغراض شخصی بانعدام و انتفای يك قوم و مات راضی می شوند، چون

فعلا این مسئله از موضوع بحث ما خارج است صرف نظر نموده در موقع خود تشریح خواهیم نمود

(۳) تشکیل بنک ملی است که پایه اجتماع قوت ثروتی يك قوم، و رونق تجارت يك مملکت و رافع احتیاج اهالی از خارجه، و نیروی معنوی ملت شناخته شده، بدون تشکیل بنک ملی هیچ سعادت را بدرجه اتم درک نتوانیم نمود بنک ملی اساس جمیع ترقیات ملیه شناخته شده است

(۴) تعالیم اجباری است در ملت چرا که ما ملت (۴) تعالیم اجباری است در ملت چرا که ما ملت مناقشه علمی در پیش داریم، و هیچ جاهل با عالم دم

مبارات و همسری نتواند زد، و بدون علم ترقی قادرین دوره نورانی محال است، و از ابتدای عالم تا کنون سلطنت از خانواده علم خارج نشده، و ما هرگز با رقبای عالم خود ما این جهالت دم از همسری و برتری نتوانیم زد،

بحمدالله و الله از این چهار رکن ترقی سه رکنش را ملت و دولت آماده و مندماش را کاملاً فراهم آورده و انشا الله صما قریب تکمیل خواهد نمود، فقط چیزیکه امروز پیش از همه باید سر تا با متوجه آن شویم قشون ملی و مشق اجباری است

امیدواریم عنقریب اقدام بدین مقصود هم بشود، در آن صورت ایرانیان همه دنیا خواهند نمود که اوراق اتحاد روس و انگلیس حکم کاغذات باطله را پیدا نمود، و آنها را باطل السحر و طلسم شکن یاد

کنفرانس صلح عمومی لاهی

دولت علیه ایران

هفته گذشته وعده داده بودیم که ترجمه نطق نماینده ایران را در خصوص قضات دائمی محکمه بین الدول و چگونگی آن مسئله اهم بنویسیم ، اینک بوعده خود وفا نموده خدمات ممتاز السلطنه را درین مأموریت از صمیم قلب تصدیق مینمایم

ترجمه برونست جناب ممتاز السلطنه

(نماینده اول ایران)

سفارت مخصوص ایران با کمال میل و از صمیم قلب تا حال با تمامی تکالیفی که می توانند اسباب ترقی اساس حکمیت بین الدول بشوند همراهی کرده است بعقیده ما هم حکمیت مجبوری عالی ترین مقام و مطلوب ترین مقصودی است که تحصیل آن باید شرافت و بواسطه آن صلح و عدالت را از قوه بفعال آورد لایحه بنای محکمه عالیه دائمی جدید بین الدول هم که می خواهند در تحت اصول محکمه تاسیس بشود ، پیشتر اسباب اطمینان ما شده بود ، و امیدوار بودیم که بواسطه آن در سر زمین حقوق و عدالت قدمی پیش خواهیم گذاشت ، ولی بدبختانه در لایحه های عدیبه که در آلف باب در نانی بمجلس تقدیم کرده اند ابدأ ملاحظه مساوات حقوق دول بعمل نیامده ، و حال آنکه اصول این مساوات در بنای این اساس عالی میبایست لابد منظور نظر و معمول بوده باشد

سفارتخانه های کبری که این نکته بر آنها هم بر می خورد خواهند گفت که بجه اندازها از این مسئله متأسف هستند ، و تا چه بایه از عقاید عمومی اوطان خودشان بر علیه آنها و محاکمه و تاریخ دنیا در این باب مخوف و ترسان ، چرا که این عدم مساوات حقوق دول موافق قوانینی که همیشه معمول و مجری بوده و هست بدعت جدید است و کسی را جرئت آن نیست که همچون بدعتی را امضا و مجری بدارد

در آنچه راجع بخود ما است ، صرف نظر از نکته که در باب اصول این مسئله اینک زحمت دادم و اجازه میبخوام که مطلب دیگری را هم خاطر نشان نمایم ، آن این است که با کمال تأسف مطلع شدیم که در

موقع تقسیم قضات اعضای محکمه عالیه اسم ایران در مرتبه چهارم نوشته شده

ملکیتی که هزاران سال در هرصه دنیا وجود مستثله داشته و چنانچه کشفیات شوشتر بدرجه اثبات می رساند همیشه یکی از مراکز بزرگ عالم تمدن بوده ، و ملکیتی که پست ملبون نفوس دارد و صنایع و ادبیات آن بلاشک بتمام دنیا مکشوف و معلوم میباید همچون ملکیتی حق آن را داشت که بیشتر سبب بار احترام شده و جائیکه باو داده خواهد شد قابل ایام گذشته آن ، و می توانم بگویم لایق حالت حالیه آن بوده باشد مقصود من این نیست که در این موقع متذکر

چندین هزار ساله تمدن مملکت ایران بشوم ، اثبات این نکته را به کشفیات متواتره هیئت مأمورین علمی فراسه در خاک ایران رجوع میکنم ، همین قدر میبخوام خاطر شما را بطرف امروزی ایران جلب نمایم که اینک سر مشق چون آفتاب روشنی در همین اوان بدنیا داده و حسن اخلاق و قوه مدرکه انبای سر زمین خود را بدرجه اثبات رسانید ، تغییرات اصولی که در اساس مملکت ما از پرده غیب بظهور رسیده و یا نه میرسد از مسائل بسیار غامضه است که همیشه در ممالک دیگر جنبش ملی را بشورش خطرناک مبدل کرده ، ولی در مملکت ما ابدأ مستوجب این قضایات تأسف انگیز نماند ، و کسی را حق و دست آویز شکایت از این جوش و خروش ملی بدست نیامده ، و امانت ایران با کمال سلامت نفس ولایقت جیبی خود در مستعدیات خویش بدنیا نشان داد که او هم از مالی است ترقی خواه و دولتی است که میبخواند در حاده علم و تمدن مغرب زمین استعداد خود را بنماید ، پس مملکت ایران بر حسب شرافت ایام گذشته خود و باقتضای مساعی که حالا بکار میبرد مستحق است که در این مجالس عالیه از تشویق و تحریص حسنه در حق او فرو گذاری نگردد ، و مقام عالی تری در محکمه حکمیت دائمی باو داده شود

ما در اینجا برای این جمع نشده ایم که حق زور را ثابت و مجری نمایم بلکه بجهت این آمده ایم که زور و قوت حق را بدرجه اثبات رسانیده و ترقی بدیم ، اگر اشتباهی در این باب برای ما حاصل شده است ،

و اگر کنه مطلب غیر از این باشد که گفتیم ، ما مجبور خواهیم شد که بعد از آنیکه در مواقع دیگر حامی بنای محکمه دائمی شده و در حفظ اصول آن سخن رانده ایم حالا بر صد لایحه تأسیس آن رأی بدهیم

چنانکه در ضمن این نطق جوان مرده و دولت و مات پرستانه خود جناب ممتاز السلطنه کنفرانس خاطر نشان کرده است ، همیشه و در تمام قرون مساوی بودن دول از کوچک و بزرگ و از قوی و ضعیف یکی از شرایط حقوق بین الدول بوده است ، و امروز نباید گذاشت که دول معظمه کم کم این حق را از دست دیگران بگیرند ، تا در تانی متصل درجات عالییه را هم که تکلیف کرده اند متدرجاً کمتر نمایند ، و بالاخره بمقاصد خودشان برسند ، معلوم است نایبده اول ایران در این پروتست خود تنها بدست و نا زمین را محکم نکرده یا بر آن نهاد است ، در واقع این شرکت نماینده اول ایران در کنفرانس سر مشق شده ، و بعد از آن دولت برزیل و مکسیک و عثمانی هم پروتست کردند ، پروتست عثمانی بعد از یک هفته رسیده ، مأمورین دول دیگر هم که با ممتاز السلطنه هم رأی شده اند و متصل میشوند شروع به پروتست کرده اند ، در کنفرانس جهل و هفت دولت نماینده دارند ، و اقلاً مأمورین بیست بیج نفر را با خود همراه کرده اتفاق کرده اند که انشاء الله این عمل را باک بکلی بهم بزنند و نگذارند در کنفرانس اکثریت آرا با دولی باشد که این تکلیف را کرده اند

مسیو (باربوزا) سفیر کبیر برزیل بزور و همراهی دولت خودش شق الفکر کرد ، و بفاصله بیست و چهار ساعت بتوسط و حمایت دولت برزیل بمأمورین آمریک جنوبی دستور العمل تلگرافی آورد که در مجلس در موقع رأی دادن برخلاف این نوع تقسیم دول رأی بدهند سفیر کبیر آمریک چون عرصه را تنگ دیده ، مستقیماً و غیر مستقیماً از جناب ممتاز السلطنه استمزاج کرده است که اگر قرار بگذارند که تمام فصول قرار نامه این محکمه امضا بشود ، فقط وصول راجع به تقسیم قضات بماند که در تانی با خود دول بتوسط سفرا قرار و مدار لازم را در آن باب بدهند معزی الیه قبول

میکنند یا نه ؟ جناب ممتاز السلطنه با کمال مال اندیشی جواب داده است که خیر ، بجهت اینکه شما می خواهید انحسار عالییه و اکثریت آرای ما را در کنفرانس بهم زده بعد بخواهش و اصرار و گاهی با بعضی دول بزور این مطلب را بخودشان یگان یگان بقبر لایید .

بدولت چین که چهار صد ملیون نفوس دارد درجه سیم در تقسیم قضات داده اند ، مأمور چین هم تکلیف کرده بود که از روی قرار و مدار سابق مخارج اداره حکمیت حق حضور بقضات دول در محکمه عالییه بدهد ، ولی این تکلیف هم برخلاف مصاحبت دولت عالییه است ، چرا که بد بختانه در آن قرار نامه ، ایران و بافارستان و سرستان یک جا است ، با وجود این پول آنهم حالا چهار سال است که از طرف دولت عالییه برداشته شده است بهر صورت عقیده عمومی و صلاح کار در این است که انشاء الله به فضل الهی اگر بخت یاری بکند این عمل بکلی بهم زده شود مگر اینکه شکل محیی پیدا بکند ، چون اگر در این کنفرانس با این وضع عالییه ایران این مسئله بگذرد لابد موافق میل مقصود حاصل نمیشود ، ولی اگر بچند سال دیگر بماند انشاء الله در سایه مبارک اعلی حضرت اقدس هاجونی ایران رو به ترقی است ، و مأمورین ما هم در کنفرانس های آینده می توانند بدعوات خودشان دلایل آورده و از ترقیات جمیده علم و صنایع و تجارت و قوانین مملکت خود شایسته حرف بزنند ، مخصوصاً در اینجا محض مصلحت کار جناب ممتاز السلطنه تدبیر دیگر بخرج داده و همه گفت ، که اولیای دوات عالییه ایران باوجود میل خودشان هم نمی توانند این مقام و شرایط را در حق دولت خودشان و خواهش شارا در آن باب قبول نمایند ، و اوطاق مبعوثان ما ، مات را به هیچان آورده و دولت را بزحمت خواهد انداخت ، چون در برزیل همین طور کردند و بفاصله بیست و چهار ساعت خود دولت برزیل اسباب فراهم آورد که مات و اوطاق مبعوثان برزیل به هیچان آمده و به تمام دنیا تلگرافها کردند و حالا کنفرانس خبلی از آنها ملاحظه مینماید ، در واقع کنفرانس منتقم شده است به دو اردوی بزرگ که همین روزها شروع بزد و خورد خواهد کرد تا تقدیر الهی چه اقتضا نماید